۲ سیاست
پاسخ به دو اتهام
نامه روحانی به خبرگان رهبری

۳ کوچه
شریفی‌های جزیره
حواشی یک جشن فارغ‌التحصیلی در کیش

۴ کافه
روشنفکران لیبرال‌ستیز
مرتضی مردیها

اعتراض وکیل اسحاق جهانگیری به محکومیت موکلش در پرونده شکایت قالیباف:

پرونده نقص دارد

براساس شکایت محمدباقر قالیباف، اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت روحانی به ۱۲ ماه حبس تعزیری محکوم شد

سیما پروانه‌گهر
گروه سیاسی

خبرگزاری فارس روز گذشته خبر داد که براساس شکایت محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس یازدهم از اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت حسن روحانی به ۱۲ ماه حبس تعزیری محکوم شده که این حکم اولیه بوده و قابل تجدیدنظرخواهی است. حکمی که سرورالسادات مقیمی، وکیل اسحاق جهانگیری آن را «ناگهانی» و از جانب «دادرس، نه قاضی پرونده» توصیف و در این باره گفته که پرونده نقص دارد. او توضیح داد: «بعد از شکایت قالیباف، شهردار وقت تهران و کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۶ به دلیل مطالب مطرح شده در مناظرات انتخاباتی از جهانگیری در اسفند ماه سال ۱۴۰۱ در شعبه ۱۵ دادسرای رسیدگی به جرائم کارکنان دولت و ارجاع پرونده به شعبه ۱۰۵۹ دادگاه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت» ریاست شعبه رسیدگی‌کننده در دو بازه زمانی «اخطار رفع نقص پرونده به دادسرا ارسال شد» در انتظار تشکیل جلسه و ادامه روند رسیدگی به پرونده جهت شفافیت موضوعات مطروحه بودیم که به طور ناگهانی رای صادره ابلاغ شد». او همچنین از انتشار مفاد رای غیرقطعی از ناحیه برخی خبرگزاری‌ها انتقاد کرده و آن را غیرقانونی خوانده است.

براساس گزارش فارس در حکم دادگاه صادر شده، جهانگیری به دلیل افترا به ۴ ماه حبس تعزیری و به دلیل نشر اکاذیب به ۸ ماه حبس تعزیری محکوم شده و با توجه به قانون و پست مسئولیتی جهانگیری، حکم حبس به ۴۴۰ میلیون ریال جزای نقدی تخفیف داده شده است؛ این حکم قابل تجدیدنظرخواهی است.

ادامه در صفحه ۸

تذکر حدادعادل:

ورود ایران به جنگ به نفع فلسطین نیست

راهپیمایی حمایت از کودکان غزه برگزار شد

۷ ایران

یادداشت روز

بی‌اعتمادی به توسعه

برای رسیدن به توسعه نیازمند همگرایی و تفاهم میان مردم و دولت هستیم

سید محمود علیزاده طباطبایی
عضو شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

توسعه، پدیده نوینی است که بعد از جنگ جهانی دوم، وارد ادبیات اقتصادی کشور شده است. سابقه برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی ایران به ۳۰ سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی می‌رسد و تا تشکیل و استقرار نظام جمهوری اسلامی پنج برنامه توسعه با مدت‌های گوناگون در ایران اجرا شد. برنامه اول توسعه با عنوان «برنامه عمرانی اول» از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ به مدت ۷ سال اجرا شد ولی با ملی شدن صنعت نفت و عدم پذیرش بانک جهانی برای پرداخت ۲۵۰ میلیون دلار وام، اجرای برنامه اول عمرانی متوقف شد. برنامه دوم تا پنجم توسعه از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۶ به اجرا درآمدند و مبنای برنامه‌ها، اجرای اصول انقلاب سفید بود. برنامه ششم از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ تدوین شده بود که با استقرار نظام جمهوری اسلامی و آرمان‌گرایی‌های انقلابی، اجرای برنامه متوقف شد. با استقرار نظام جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی بدون توجه به منابع و امکانات، اهداف بزرگی در قانون اساسی طراحی شد که باید با اجرای برنامه‌های مدون به آن اهداف برسیم اما چالش‌های پیش‌روی نظام از شورش‌های منطقه‌ای و سیاسی سال ۵۸ تا شروع و خاتمه جنگ تحمیلی، کشور را به روزمرگی کشاند. با پایان جنگ تحمیلی، مجدداً نظام برنامه‌ریزی در سازمان برنامه و بودجه تداوم یافت و برنامه‌هایی به شرح زیر تدوین شد:

برنامه توسعه اول، ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ (تمدید تا ۱۳۷۳)
برنامه توسعه دوم، ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸
برنامه توسعه سوم، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳
برنامه توسعه چهارم، ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ (تمدید تا ۱۳۸۹)
برنامه توسعه پنجم، ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ (تمدید تا ۱۳۹۵)
برنامه توسعه ششم، ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ (تمدید تا ۱۴۰۲)
برنامه توسعه هفتم، ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۷

مرحوم دکتر حسین عظیمی توسعه را «تغییر باورها و نگرش‌ها در عین تحول مبانی تولید جامعه از سنتی به مدرن تعریف کرده است». توسعه، نیاز به مبانی خود را دارد و تا زمانی که آن مبانی و زیربناها آماده نشود، اگرچه اعداد و ارقام به تصویب می‌رسد اما توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی محقق نمی‌شود. چالش‌های عمده توسعه در ایران، یکی خرابی‌های ناشی از جنگ ایران و عراق است که از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ به طول انجامید و این بن‌بست نظامی دو کشور با پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی دو طرف خاتمه یافت و خسارت اقتصادی و اجتماعی شدیدی به هر دو طرف وارد آورد ولی در قلمرو جغرافیایی دو کشور، تغییری حاصل نشد. سازمان برنامه و بودجه که در اوج توان کارشناسی و تجارب برنامه‌ریزی جامع ملی و منطقه‌ای بود، آمادگی خود را برای هدایت اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های ملی از محل درآمد نفت و گاز اعلام کرد و اگرچه مبانی اقتصادی برنامه در قانون اساسی مزاحم نبود و بخش اقتصادی قانون اساسی از اصل ۴۳ تا ۴۹ بر مبنای طرح ارائه شده حزب توده تنظیم و تصویب شده بود، تلاش‌های کارشناسان سازمان برنامه و بودجه در فضای نظم‌ناپذیر و غیرقانونمند کشور در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۹۵ به جایی نرسید و سرانجام برنامه ۵ ساله برای دوره ۱۳۶۶-۱۳۶۲ که در تیرماه ۱۳۶۲ به تصویب دولت رسید هم هرگز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید و تا پایان جنگ تحمیلی برنامه‌ریزی توسعه عملاً به نتیجه‌ای نرسید.

ادامه در صفحه ۲

ادامه یادداشت روز

بی‌اعتمادی به توسعه

دولت پس از پایان جنگ با هدف بازسازی کشور پس از جنگ به طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه مبادرت ورزید و برنامه اول با اصول آزادی اقتصادی شروع شد ولی مقاومت مجلس در رویارویی با سیاست‌های تعدیل، دولت را مجبور کرد از ادامه سیاست تعدیل منصرف شود اما به رغم انحرافات جدی در برنامه اول، رشد اقتصادی از برنامه اول به میزان ۷/۴ درصد تحقق یافت. در برنامه دوم، رشد اقتصادی ۳/۲ درصد و برنامه سوم به ۵/۴ درصد رسید. در برنامه چهارم، دست‌اندرکاران به این جمع‌بندی رسیدند که برای مدت ۲۰ سال آینده کشور، برنامه‌ریزی کنند. با گذشت قریب به ۲۰ سال از تصویب چشم‌انداز ۲۰ ساله ملاحظه می‌کنیم، هیچ یک از اهداف چشم‌انداز محقق نشده است و به علت بی‌اطلاعی مقامات عالی‌رتبه کشور از مفاهیم توسعه و ساختار نامتناسب اجتماعی فرهنگی و تاریخی جامعه تا رسیدن به اهداف توسعه، فاصله زیادی داریم.

برای رسیدن به توسعه، نیازمند به همگرایی و تفاهم میان دولت پاسخگو مردم و نهادهای مدنی و بخش خصوصی مستقیم و تا زمانی که به سمت دموکراسی و آزادی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حرکت نکنیم و اجازه ندهیم، مدیران و سیاستمداران صادق برآمده از نظام حزبی در فرآیند تصمیم‌گیری دخالت کنند و تا هنگامی که هماهنگی فکری و مدنی میان کارشناسان، اندیشمندان و نخبگان جامعه به وجود نیاید، توسعه مطلوب پدید نخواهد آمد.

آنچه برای زمامداران اولویت دارد، توسعه اقتصادی نیست و بیش از آنکه به فکر رفاه مردم باشند به دنبال تقویت قدرت دفاعی و امنیتی کشور هستند، در صورتی که قدرت دفاعی و امنیتی باید در تعادل با قدرت اقتصادی کشور باشد تا بتواند توسعه را محقق کند. سیاست‌گذاری نادرست در مصرف منابع کشور و جدال عقلانیت و ایدئولوژی و تفاوت تشخیص منافع ملی از طرف حکمرانان با تشخیص مردم موجب بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت شده است. بزرگ شدن و ناکارآمد شدن دولت و انزوای ایران در معادلات و تعاملات جهانی و فقدان نهادهای مدنی قدرتمند و کارآمد از علل عمده توسعه‌نیافتگی کشور است. برای تحقق توسعه باید تجارب شکست‌خورده ۵۰ سال گذشته را مدنظر قرار دهیم و از وضعیت حال و گذشته شناخت پیدا کنیم و با تغییر شیوه حکمرانی، اصلاح قانون اساسی و پاسخگو کردن همه مسئولان به مردم، تعدیل سیاست خارجی، به‌روزرسانی قوانین در جهت تسهیل گردش قدرت، اصلاح نظام انتخابات و ایجاد یک اقتدار دموکراتیک وابسته به مردم، زمینه را برای توسعه فراهم کنیم.

تا زمانی که مردم خود را سهیم در تصمیم‌گیری ندانند و منابع کشور را متعلق به خود ندانند از این منابع محافظت نمی‌کنند؛ مردم از چیزهایی محافظت می‌کنند که مال خود بدانند.

در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ مقرر شده بود که در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی در چشم‌انداز ۲۰ ساله، ایران کشوری باشد توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل و قرار بود، جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی داشته باشد:

توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی با تاکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی، قضایی و .... .

این برنامه که به تصویب دولت، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مقام رهبری رسید و سند نهایی آن با امضای مقام رهبری در ۱۳۸۲/۸/۱۳ به رئیس‌جمهور وقت ابلاغ شد، سال‌های پایانی خود را می‌گذراند.

تحقق اهداف پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز، ایران را به قله مورد نظر می‌رساند و با ارزیابی چشم‌انداز ۲۰ ساله فاصله ما تا قله مشخص می‌شود.

لازم است مجمع تشخیص مصلحت نظام که مسئولیت نظارت بر تحقق سند چشم‌انداز را بر عهده داشته، علل عدم تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله را به مردم گزارش دهد.

کُلُّ مَنْ عَلَیهَا فَانٍ

برادر ارجمند

جناب آقای عبدالحمید پناهی

عضو محترم شورای استان کهگیلویه وبویراحمد

حزب کارگزاران سازندگی ایران

مراتب تسلیت ما را در فقدان مادر گرامی‌تان پذیرا باشید. روحشان قرین رحمت واسعه الهی و خلد برین سرایشان باد.

روابط عمومی حزب کارگزاران سازندگی ایران

پاسخ به دو اتهام

نامه حسن روحانی خطاب به اعضای خبرگان رهبری در پاسخ به اتهاماتی که به وی زده شده بود

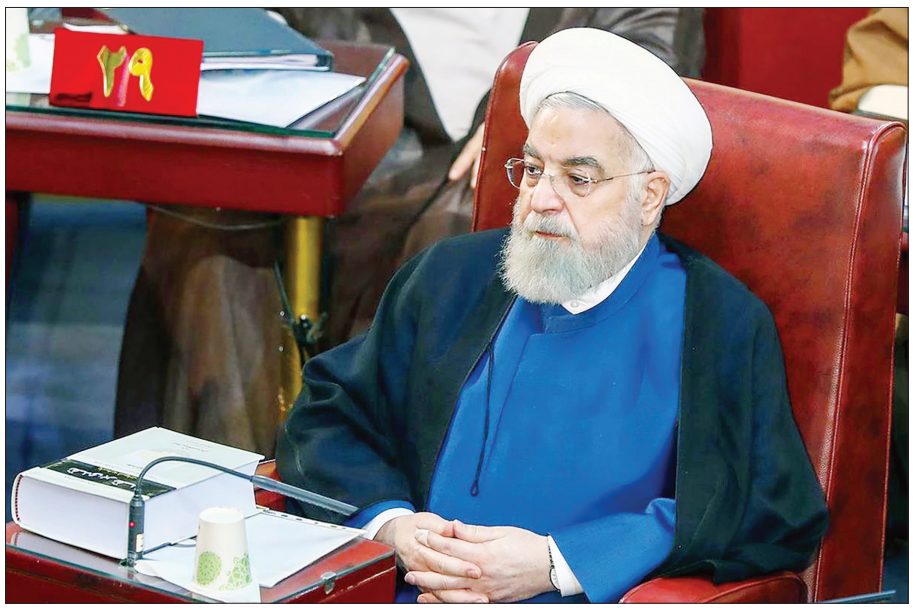

گروه سیاسی: روز گذشته نامه‌ای از حسن روحانی خطاب به اعضای مجلس خبرگان منتشر شد. این نامه در پاسخ به اتهاماتی بود که ۱۹ مهرماه توسط نماینده مازندران در مجلس خبرگان نطق شد. با توجه به اینکه محتوای جلسات مجلس خبرگان رهبری انتشار عمومی ندارد، نامه دکتر روحانی به اعضای مجلس خبرگان با وجود اینکه قید محرمانه نداشت به طور عمومی منتشر نشد. اما پس از آن سیدرحیم توکل، اتهامات مطرح شده در نطق خود در مجلس خبرگان را در مصاحبه با سایت جماران تکرار کرد. در نطق نماینده مازندران در مجلس خبرگان رهبری، دو اتهام مطرح شده بود: «یکی در مورد برنامه برجام مال آقای روحانی [بود و] یکی هم در مورد عفت و حجاب که رهبری فرمودند، این کار دشمن تهاجم فرهنگی نیست [بلکه] شبیخون فرهنگی است؛ اما ایشان (روحانی) در زمانی که ریاست داشتند، گفتند حتی اکثر مواد ۲۰۳۰ را اجرایی می‌کنم. دوم اینکه رهبری فرمودند: اگر خارجی‌ها آن برگه برجام را پاره کنند، ما برگه برجام را آتش می‌زنیم. اما بعد از آن سخنان آقای روحانی گفتند، انگار یک منقلی اینجا هست که آدم بخواهد داخل آن کاغذی را آتش بزند!»

حسن روحانی در نامه خود آورده است: «چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰» در امتداد برنامه «آموزش برای همه» قرار دارد که سابقه آن به سال ۱۹۹۰ بازمی‌گردد. برنامه «آموزش برای همه» طی سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۵ در جمهوری اسلامی ایران اجرا شد و به دلیل دستاوردهای موفق در برخی از شاخص‌ها مورد تقدیر جهانیان قرار گرفت. پیش‌نویس اولیه «چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰» در اجلاس مجمع جهانی آموزش (خرداد ۱۳۹۴) در این چئون کره‌جنوبی ارائه شد. در این اجلاس هیات کشورمان «تحفظ رسمی» نسبت به کل سند را در جلسه ارائه کرد. «چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰» در اجلاس مقامات عالی‌رتبه آموزش جهان در حاشیه سی‌وهشتمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو (آبان ۱۳۹۴) ارائه و به تصویب رسید.

اما تهمت مربوط به اینکه بنده گفته باشم: «تا من هستم سند ۲۰۳۰ را اجرا می‌کنم» یک دروغ آشکار و حاصل تقطیع ناجوانمردانه بخشی از سخنرانی مورخ ۱۳۹۶/۳/۰۴ است. متن کامل عرایض بنده به شرح زیر است: «چقدر رفتند سم‌پاشی کردند؛ گفتند اسلام از دست رفت و در تمام مدارس ما اخلاق زیر پا گذاشته می‌شود. هر کسی تهمت زد، توهین کرد و غیبت کرد از همه گذشتم ولی از این توطئه ۲۰۳۰ نمی‌گذرم. یک وقتی شما امام زمان(عج) را ابزار سیاست قرار می‌دهید که مردم جواب دادند. یک وقت امام رضا(ع) را ابزار قرار می‌دهید و مردم جواب می‌دهند. تو را به خدا دین را ابزار سیاست نکنید. چرا به معلمان و دانش‌آموزان ما توهین کردید؟ من از ۲۰۳۰ نمی‌گذرم و تا آخر دولت دوازدهم آن را دنبال می‌کنم. باید به آدم‌هایی که با دین مردم بازی کردند، بگوییم. البته آگاهی مردم ما بالاتر از این حرف‌هاست که افرادی را از تهران و قم به روستا بفرستیم و سر مردم کلاه بگذاریم».

روحانی در نامه خود تاکید کرده است: هر ذهن غیرمریضی که حتی ادبیات و قرینه متصل در اصول را هم نخوانده باشد در نگاه اول می‌فهمد که این سخن ناظر به دنبال کردن توطئه‌گران است نه اجرای سند ۲۰۳۰.

روحانی در ادامه درخصوص پاسخ به اتهام دوم نیز آورده است: «آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۲۵ در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام فرمودند: «جمهوری اسلامی ابتداناً برجام را نقض نخواهد کرد زیرا وفای به عهد، دستور قرآنی است اما اگر تهدید نامزدهای ریاست‌جمهوری آمریکا مبنی بر پاره کردن برجام عملی شود، جمهوری اسلامی برجام را آتش خواهد زد که این کار هم دستوری قرآنی درباره نقض عهد متقابل است». رئیس‌جمهور وقت ۹ ماه بعد در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۷ در دیدار با مجریان انتخابات گفت: «اگر برجام هیچ کاری نکرده باشد فقط قطعنامه‌های الزامی فصل ۷ شورای امنیت سازمان ملل را بدون اینکه حتی یک ساعت آن را اجرا کنیم، برای اولین بار در تاریخ سیاسی جهان لغو کردیم، برای موفقیت‌آمیز خواندن آن کافی است چراکه هیچ کشوری نبوده که او را به فصل ۷ منشور سازمان ملل بکشانند مگر آنکه آن نظام را سرنگون کرده و جنگ را بر آن تحمیل کنند. ایران کشوری است که این قطعنامه را به دست همان‌هایی که تصویب کرده بودند، لغو کرد. البته برخی‌ها هم بودند که تصور می‌کردند منقلی وجود دارد و می‌توانند این قطعنامه‌ها را روی آن انداخته و آتش بزنند. برخی سایت‌ها و روزنامه‌ها فکر می‌کنند که اگر از برجام تعریف کنند این موضوع تعریف از دولت محسوب می‌شود، درحالی که دولت آن را متعلق به مردم و رهبری عزیز می‌داند و برجام افتخاری برای همه ایران است». همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید، مخاطب رئیس‌جمهور مخالفان داخلی برجام و ساده‌انگارانی هستند که قطعنامه‌های فصل هفتی شورای امنیت را کاغذپاره می‌انگاشتند.

او تصریح می‌کند: برای لغو قطعنامه‌های شورای امنیت چاره‌ای جز مذاکرات سخت و دقیق وجود ندارد و نپذیرفتن آن قطعنامه‌ها توسط ایران یا به منقل انداختن آن قطعنامه‌های کاغذی، مانعی برای اجرایی شدن آن در سطح جهان ایجاد نمی‌کرده است. متاسفانه در این مغالطه آشکار تعدد ظرف زمانی و تفرق مخاطب و تنوع شیوه خطاب نادیده گرفته شده است و سخنی با مخاطب داخلی در موضوع قطعنامه‌های شورای امنیت و سخنی با مخاطب خارجی در مورد نقض عهد احتمالی مقایسه شده است و تفاوت قطعنامه‌ها با برجام نادیده گرفته شده است.

آگهی ابلاغ رای عدم افراز پلاک ثبتی ۴۴۱۸/۷۶۲ بخش ۱۲ تهران اخطار وفق ماده ۱۷ آئین نامه قانون اجرا

معصومه- فاطمه – لیلا – غلامرضا- حمیدرضا – علیرضا همگی عبدالحسینی نیکپور از مالکین مشاعی پلاک ثبتی شماره ۴۴۱۸/۷۶۲ بخش ۷ تهران «همگی مجهول المکان» هستند،
در خصوص درخواست افراز پلاک ثبتی ۴۴۱۸/۷۶۲
خواهان: محمدرضا و رقیه هر دو عبدالحسینی نیکپور
خواندگان: معصومه – فاطمه - لیلا – غلامرضا – حمیدرضا – علیرضا همگی عبدالحسینی نیکپور
براساس گزارش ظهر شما وارده ۵۴۰۲۱۴۹۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۹ نماینده و نقشه بردار این اداره نسبت به درخواست افراز پلاک ثبتی شماره ۴۴۱۸/۷۶۲ واقع در بخش ۷ تهران تقاضای وارده شماره ۵۴۰۲۱۲۷۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۸ بشرح ذیل اتخاذ تصمیم میگردد مورد تقاضا با توجه به نامه شماره ۵۱۴/۴۱۸۰۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۶ شهرداری منطقه ۱۵ تهران غیر قابل افراز تشخیص داده شده و مقرر است این نظریه وفق مقررات به علت مجهول المکان بودن مالکین مشاعی در یک نوبت منتشر گردد تا چنانچه اعتراضی دارند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی به مراجع ذیصلاح قضائی مراجعه نمایند.
تصمیم واحد ثبتی
مرجع رسیدگی: اداره ثبت اسناد و املاک منطقه خاوران تهران
حسب دستور ذیل تقاضای شماره ۱۴۰۲۸۵۶۰۱۰۵۴۰۲۱۲۷۵ مورخه ۱۴۰۲/۰۸/۰۸ باستحضار می رساند: سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به شماره ۷۶۲ فرعی از ۴۴۱۸ اصلی مفروز و مجزا شده از ۲ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۰۷ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک خاوران تهران استان تهران به مساحت ۵۵ متر مربع ذیل ثبت شماره ۶۹۳۶۵ صفحه ۶۵ دفتر ۴۶۰ سریال چاپی ۵۲۴۶۲۷ به نام آقای / عباس نجاهی ثبت و صادر و تسلیم شده است.
بعد مع الواسطه طبق سند قطعی شماره ۷۷۸۳۹ – ۱۳۵۲/۱۰/۲۳ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۲۹ تهران به ابوالفضل/ عبدالحسینی نیک پور منتقل شد بعد طبق سند شماره ۱۵۱۸۸۵ – ۱۳۷۱/۱۲/۱۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۲۹ تهران در رهن بانک ملی قرار گرفت است بعد آقای ابوالفضل / عبدالحسینی نیک پور طبق دادنامه گواهی حصر وراثت شماره ۶۶۹ – ۱۳۹۳/۰۵/۲۳ شعبه ۷۵۶ شورای حل اختلاف ناحیه ۱۵ تهران و گواهی مالیات بر ارث شماره ۱۷۱۲۷ – ۱۳۹۹/۰۸/۲۵ اداره کل امور مالیاتی جنوب تهران فوت نموده است ورثه وی عبارتند از محمدرضا- علیرضا و غلامرضا و حمیدرضا و معصومه و فاطمه و لیلا و رقیه // همگی با نام خانوادگی عبدالحسینی نیک پور فرزندان و جمیله هدائیلر (همسر) متوفی می باشد و سپس و بعد جمیله هدائیلر همسر متوفی نیز طبق گواهی حصر وراثت شماره ۱۹۰۹۹۷۰۹۳۲۴۰۱۴۳۸ – ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ حوزه ۲۰۵ شورای حل اختلاف ناحیه ۵ تهران و گواهی مالیات بر ارث شماره ۵۰۴۰۵ – ۱۳۹۹/۱۱/۱۳ اداره کل امور مالیاتی غرب تهران فوت نموده است ورثه وی همان وراث مرحوم ابوالفضل می باشد از نامبردگان فرزندان می باشند اینک آقای محمدرضا عبدالحسینی نیکپور و خانم رقیه دوتا از فرزندان از وراث مذکور با اعلام اینکه اصل سند مالکیت نزد علیرضا عبدالحسینی نیک پور تقاضای صدور سند مالکیت سهم الارث خود را نموده که بدوا طی ۱۴۰۱۸۵۶۰۱۰۵۴۰۲۹۷۹۲ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۱ به دارنده سند مالکیت اخطا ر گردید و مالکیت آنان بشرح ذیل ثبت و سند جداگانه صادر و تسلیم شد:
- مالکیت محمدرضا/ عبدالحسینی نیکپور فرزند ابوالفضل شماره شناسنامه ۵۹۷۴۷ تاریخ تولد ۱۳۴۶/۰۴/۳۰ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۳۳۹۷۱۹۶۱ با جز سهم ۱ از کل سهم ۶ بعنوان مالک یک دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۶۶۹ تاریخ ۱۳۹۳/۰۵/۲۳ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۸۰۳۹۴۴ سری و سال ۰۰ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۵۴۰۵۱۶۱۳ ثبت گردیده است.
- مالکیت رقیه / عبدالحسینی نیکپور فرزند ابوالفضل شماره شناسنامه ۸۳۲ تاریخ تولد ۱۳۴۸/۰۵/۳۰ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۴۱۵۶۷۲۶ با جز سهم ۰/۵ از کل سهم ۶ بعنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۶۶۹ تاریخ ۱۳۹۳/۰۵/۲۳ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۳۱۱۱۹۴ سری ج سال ۹۹ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۰۲۰۳۰۱۰۵۴۰۱۱۷۵۷ ثبت گردیده است.
محدودیت: طبق سوابق موجود در پرونده مورد ثبت فاقد رهن می باشد
ب) آقای محمدرضا و خانم رقیه عبدالحسینی دو تا از وراث مرحوم ابوالفضل از مالکین فوق درخواست افراز سهمی خود را نموده است
اینک با بررسی بعمل آمده توسط اینجانبان رمضانی و محمدیها نماینده و نقشه بردار ثبت خاوران تهران بعلت عدم قابلیت افراز ملک مزبور با توجه به گزارش کارشناسی شهرداری منطقه ۱۵ تهران برابر نامه شماره ۵۱۵/۵۳۱۷۳ مورخه ۱۴۰۲/۰۸/۱۷ در اجرای مقررات ماده ۱۰۱ قانون شهرداری بعلت قلت مساحت ملک مرقوم را غیر قابل افراز تشخیص داده است لذا بدینوسیله مراتب عدم قابلیت افراز ملک موصوف بموجب ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع به طرفین دعوی ابلاغ می گردد تا چنانچه اعتراضی دارند ظرف مدت ۱۰ روز پس از رویت اعتراض خود را به مرجع قضائی تسلیم نمایند.
نماینده ثبت: نقشه بردار ثبت: متقاضی:
تصمیم واحد ثبتی: با عنایت به نظریه کارشناسان و گواهی شهرداری مبنی بر احراز عدم قابلیت افراز ملک مورد تقاضا، مراتب در اجرای مقررات ماده ۲ قانون افراز و مادتین ۵ و ۶ آئین نامه به مالکین ابلاغ تا در صورت اعتراض طبق ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع به مرجع قضائی مراجعه نمایند.
۱۴۴۴۱ م الف **گرجی زاده – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه خاوران تهران**

شناسه آگهی ۱۶۰۵۵۴۱

شریفی‌های جزیره

پس از حواشی جشن فارغ‌التحصیلی پردیس بین‌الملل دانشگاه صنعتی شریف، رئیس دانشکده استعفا داد

گروه اجتماعی: در ویدئویی که از مراسم فارغ‌التحصیلی دانشگاه پردیس صنعتی شـریف در جزیره کیش در ۲۶ آبان منتشر شده گروهی از دانشـجویان بدون حجاب الزامی شرکت کردند. این امر با اعتراض دانشگاه شریف و مدیریت آن روبرو شد تا جایی که روابط عمومی دانشگاه شریف در بیانیه‌ای، «ناهنجاری اتفاق افتاده در آن مراسـم» را محکوم کرد. همچنین علی شمسی‌پور، سخنگوی وزارت علوم، شـامگاه جمعه ۲۶ آبان، حضور بدون حجاب اجباری دختران دانشجو در این مراسم را «ناهنجاری» خواند و بر برخورد با این دانشـجویان و مقام‌های مرتبط با این مراسم تاکید کرد. شمسی‌پور در شبکه اجتماعی ایکس، (توییتر سـابق)، نیز از دسـتور محمدعلی زلفی‌گل، وزیر علوم، برای برخورد با افراد مرتبط با این مراسم خبر داد. شمسی‌پور همچنین تاکید کرد: طبق دسـتور وزیر علوم «با متخلفین در هر سطحی برخورد قانونی جدی انجام خواهد شد».

ماجرا به اینجا ختم نشد و صبح دیروز روابط عمومی دانشگاه صنعتی شـریف، با صدور اطلاعیه‌ای، درخصوص حواشی به وجود آمده در مراسم دانش‌آموختگی پردیس بین‌الملل کیش این دانشگاه، توضیحاتی ارائه کرد.

در متن اطلاعیه روابط عمومی دانشگاه صنعتی شریف آمده اسـت: «مراسـم دانش‌آموختگی ۸۱ نفر از دانشجویان پردیس بین‌الملل دانشگاه صنعتی شریف در جزیره کیش، روز پنج‌شنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۲، برگزار شد. متاسـفانه، در بخش پایانی مراسم، هنـگام اهدای جوایز و گرفتن عکس دسـته‌جمعی، مواردی از عدم رعایت شـئونات و قوانین مشاهده شد که در شأن خانواده بزرگ دانشـگاه صنعتی شـریف نبود و منجر به امتناع رئیس و معاون آموزشـی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه از مشارکت در اهدای بخشـی از جوایز و ترک سـالن همایش از سوی رئیس دانشگاه شـد. دانشگاه صنعتی شـریف، ضمن محکوم کردن ناهنجـاری اتفاق افتاده در آن مراسـم و عذرخواهی از خانواده معظم شهدا و ایثارگران و همه دلسوزان جمهوری اسلامی ایران، اهتمام مسئولان دانشگاه به برخورد جدی با مسببین این رخداد و افرادی که در این زمینه قصور یا تقصیری داشته‌اند را در اسرع وقت اعلام می‌نماید».

همچنین در نتیجـه این اتفاق رئیس پردیس کیش شـریف استعفا داد. تصویری از اسـتعفانامه علی سلک‌غفاری، رئیس پردیس کیش دانشگاه شریف خطاب به رسول جلیلی، رئیس این دانشـگاه و رئیس هیات امنای پردیس کیش منتشر شده که در آن آمده: «ضمن اظهار تاسف از عدم رعایت مقررات و شئونات دانشگاهی برخی از دانش‌آموختگان این پردیس ... ضمن عدم تایید این رفتار خارج از عـرف، به منظور صیانت از ارزش‌های نظام مقدس جمهوری اسـلامی و حفظ شأن دانشگاه صنعتی شریف، ادامه مسئولیت به‌عنوان رئیس پردیس بین‌الملل شریف کیش را به صلاح نمی‌دانم».

علی سلک غفاری رئیس پردیس کیش

خبرگزاری مهر، برنا و ایسـنا بدون اشـاره مسـتقیم به این اتفـاق آن را مراسـمی همراه با «اتفاقات ناهنجار» و «جشـن فارغ‌التحصیلی خارج از عرف» توصیف کردند.

از سال گذشته تاکنون، دانشگاه‌های مختلف درباره برخورد با بی‌حجابی ابلاغیه‌های مختلفی صـادر کردند. ازجمله آنکه مقیمی، رئیس دانشـگاه تهران در تشریح راهکارهای پیش‌بینی شـده برای مواجهه با پدیده بی‌حجابی در دانشـگاه اعلام کرد: «براساس این بخشنامه که از ۲۹ دی‌ماه (۱۴۰۱) لازم‌الاجراست، در مرحله اول افراد بی‌حجـاب در بدو ورود و در داخل محیط دانشگاه از طریق کارت دانشـجویی شناسایی خواهند شد. به این افراد در این مرحله تذکر داده می‌شـود تـا به رعایت قانون برگردنـد و صرف‌نظر از هر اعتقـاد و دیدگاهی که دارند، قانون را فصل‌الخطاب قرار دهند و به مقررات پوشش تمکین نمایند. در این مرحله نیروهای انتظامات بعد از شناسایی افراد، صرفاً به تذکر قانونی برای رعایت حجاب بسنده خواهند کرد و حتی در قبال افرادی که به تذکر بی‌توجهی می‌کنند، اجازه ورود می‌دهند و برخوردی با آنها نخواهند کرد، اما مشـخصات این‌گونه افراد را ثبت کرده و آن را به مراجع ذی‌صلاح گزارش خواهند داد».

همچنین فرزاد جهان‌بین، مسئول اجرای‌سازی بیانیه رسالت تعلیم و تربیت اجتماعی دانشـگاه آزاد در نامـه‌ای تاکید کرد: اسـاتید باید به دانشجویانی که کشـف حجاب می‌کنند، تذکر دهند. در بیانیه این دانشـگاه آمده: حجاب در سـطح اول، در کلاس و توسط اساتید. در سـطح دوم، در محیط دانشگاه و با محوریت معاونت‌های فرهنگی دانشجویی و کمک حراست و در سـطح سـوم، در موارد ناهنجاری بین و فساد سیستماتیک توسط حراست باید مراعات شود.

اوایل آبان‌ماه نیز در پی حضور فاطمه رجایی‌راد بدون حجاب الزامـی به هنگام دریافت تقدیرنامه به‌عنـوان «جراح نمونه» از سـازمان نظام پزشکی آمل، وزارت بهداشـت دستور «تعلیق» فعالیت مطب، پروانه طبابت و همچنین تدریس او در دانشگاه علوم پزشکی بابل را صادر کرد.

علاوه بر تشـکیل پرونده قضایی برای این جراح متخصص، با دسـتور مقام‌های وزارت بهداشـت، رئیس بیمارسـتان امام خمینی آمل محل کار خانم رجایی‌راد، «برکنار و رئیس دانشکده پیراپزشکی آمل و رئیس نظام پزشـکی آمل به «هیات تخلفات اداری علوم پزشکی بابل» احضار شدند.

همچنین در روزهای گذشـته، تصویرهایـی از مترو تهران در شـبکه‌های اجتماعی منتشر شده اسـت که نشان می‌دهد گروهـی از آمران به معروف، متشـکل از زنـان و مردان که نام خود را «سفیران هدایت» گذاشـته‌اند، در راهروهای منتهی به خروجی مترو ایسـتاده‌اند و به زنانی که حجاب بر سـر ندارند تذکر می‌دهند.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه اصغر امین املشی با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ۹۰۳۳۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۰ دفترخانه ۶۳ تهران و درخواست وارده ۱۴۰۲۸۵۶۰۱۱۵۱۰۱۸۳۶۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۲ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده است، مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:
نام و نام خانوادگی مالک: اصغر امین املشی
شماره پلاک ثبتی: ۲۰۰۰۷ فرعی از ۴۸ اصلی
علت گم شدن: جابجایی
خلاصه وضعیت مالکیت: در تاریخ ۸۲/۰۸/۰۷ سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان واقع در طبقه دوم شرقی به مساحت ۱۰۳/۳۲ متر مربع که مقدار ۴/۱۲ متر مربع آن پیشرفتگی به فضای خیابان و ۱/۱۶ متر مربع آن بالکن است قطعه هشتم تفکیکی به پلاک ۲۰۰۰۷ فرعی از ۴۸ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۸۰۸۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۱ تهران به انضمام ششدانگ انباری شماره ۱۰ واقع در زیرزمین به مساحت ۲/۲۲ متر مربع با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها ذیل ثبت ۳۸۲۹۷۰ صفحه ۲۵ دفتر ۱۵۴۴ به شماره چاپی ۱۰۴۲۹۲ سری الف سال ۸۱ به نام مجتبی آقا زاهدی ثبت و صادر و تسلیم شده است. مجتبی آقا زاهدی به موجب سند قطعی ۲۶۰۶۸ مورخ ۸۵/۰۴/۰۳ دفترخانه ۲۰۱ تهران ششدانگ را به اصغر امین املشی منتقل نموده است. اینک با توجه به اعلام مفقودی سند مالکیت مورد ثبت فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن؛ مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و این معامله در این آگهی قید نگردیده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.
۱۴۴۴۳ م الف
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لویزان تهران –ابوالفضل تریوه
شناسه آگهی ۱۶۰۵۵۴۷

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه زهره فرح روز با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ۴۶۹۲ و ۴۶۹۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ دفترخانه ۵۹۲ تهران و درخواست وارده ۱۴۰۲۸۵۶۰۱۱۵۱۰۱۷۴۶۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده است، مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:
نام و نام خانوادگی مالک: زهره فرح روز
شماره پلاک ثبتی: ۱۰۹۰۳ فرعی از ۴۵ اصلی
علت گم شدن: جابجایی
خلاصه وضعیت مالکیت: در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ سند مالکیت تکبرگ ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به شماره ۱۰۹۰۳ فرعی از ۴۵ اصلی قطعه ۱۰ تفکیکی مفروز و مجزا شده از ۱۳۹۷ فرعی از اصلی مذکور بخش ۱۱ تهران به مساحت ۷۲/۳۳ متر مربع واقع در سمت شمال طبقه ۴ به انضمام انباری قطعه ۱۰ تفکیکی به مساحت ۴/۰۷ متر مربع واقع در سمت شمال غرب طبقه زیرزمین به انضمام پارکینگ قطعه ۱۲ تفکیکی به مساحت ۱۰/۸۰ متر مربع واقع در سمت شرق طبقه همکف با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها و آیین نامه اجرایی آن ذیل ثبت الکترونیک ۱۴۰۰۲۰۳۰۱۱۵۱۰۲۵۱۱۶ به سریال ۹۸۱۶۱۱ سری ه سال ۹۹ به نام زهره فرح روز ثبت و صادر و تسلیم شده است. مورد ثبت طبق سند رهنی شماره ۲۴۶۱۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ دفترخانه ۱۲۰۲ تهران در رهن بانک مسکن شعبه رسالت بنی هاشم قرار دارد و بانک مذکور طی شماره ۸۶- ۲۶۷۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۵ موافقت خود را با صدور سند مالکیت المثنی اعلام نموده است.
اینک با توجه به اعلام مفقودی سند مالکیت مورد ثبت فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن؛ مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی، معامله کرده و این معامله در این آگهی قید نگردیده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صرت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.
۱۴۴۴۵م الف
رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لویزان تهران –ابوالفضل تریوه
شناسه آگهی ۱۶۰۵۵۵۲

گزارش میراث فرهنگی

گچ گرفتن به‌جای ترمیم

بار دیگر ماجرای گچ گرفتن یک مناره تاریخی در سمنان در فضای مجازی جنجال به پا کرد

از دیروز عکسـی در فضای مجازی منتشر شده که طی آن مناره مسـجد امام حسـن مجتبی (ع) معروف به مسجد پامنار مهدی‌شهر سنگسر سمنان به صورت خشتی به گفته برخی از دوره صفویه و به عقیده برخی دیگر از دوره افشاریه تاکنون به مردم محلی رخ نمایان می‌کرد، در اقدامی عجیب از سـوی میراث فرهنگی به جای ترمیم به یکباره گچ گرفته شده است. موضوعی که از سوی مردم به بدسلیقگی کامل تعبیر شده است. اما پیگیری‌های خبرنگار روزنامه سازندگی نشـان می‌دهد که این موضوع برای حدود سـه سال پیش است و همان زمان مصطفی یغمائیان معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان سمنان که حالا دیگر سـمتی ندارد به این موضوع واکنش نشان داده و توضیحاتی را ارائه کرده است. توضیحاتی که در گفت‌وگوی این روزنامه با یغمائیان دوباره تایید شد.

او می‌گوید: در هیچ‌یک از ادوار تاریخی، پوشش منظری منار به صورت سـنگی اجرا نشده و آخرین تغییر در سطوح جداره بدون نظر و تأیید میراث فرهنگی با استفاده از سیمان اجرا شده است. منار مسجد امام حسن مجتبی (ع) معروف به مسـجد پامنار مهدی‌شـهر به احتمال فراوان منتسب به دوران صفویه اسـت که در طول ادوار متمادی دسـتخوش تغییرات کالبدی و ظاهری شـده اسـت، سـطوح جداره خارجی منار طی قریب به ۳۰ سال گذشته با مصالح اندود سیمان به شـکلی نامتعارف و ناهمگون با مصالح بدوی و حائز اصالت اثر به شیوه‌ای که در نگاه اول شباهت به سنگ داشته باشد، اجرا شد که هم به لحاظ تکنیک اجرا و هم از منظـر مصالح به کار رفته، فاقد معیارهای هویت تاریخی و اصالت منار بود.

یغمائیـان تاکید می‌کند: از این رو پس از بررسـی‌های کارشناسـی همچنین بررسـی فن‌شناسـی و تکنیک‌های اجرای پوشش جداره منارهای دوران صفویه، پیشنهاد شد به منظور هویت‌بخشـی به منار مسـجد پامنار که از جمله المان‌های مهدی‌شهر محسوب می‌شود، مصالح ناهمگون جداره جمع‌آوری و پاک‌سازی شده و پوشش با اندود گچ و خاک که مصالح اصلی اثر در زمان احداث بوده، جایگزین شود.

معاون وقت میراث فرهنگی اسـتان سمنان اضافه کرد: منار مسجد امام حسن مجتبی (ع) دارای شالوده و ساختار با مصالح خشتی است. بدون توجه به ساختار مصالح اصیل بنا، اقدام به اجرای پوشش با اندود سیمان به صورت ظاهراً نمای سنگی انجام شده بود که فاقد هر گونه اصالت منظری و مصالح بود و با پیگیری‌های بعدی هیأت امنای مسـجد، راهنمایی لازم برای تغییر و اصـلاح نمای جداره بیرونی از سـوی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان سمنان در راستای بازگرداندن هویت و اصالت بنا ارائه شد که در نهایت حذف سیمان جداره و جایگزینی با مصالح گچ سفید روی شالوده خشتی در دستور کار قرار گرفت.

یغمائیان ادامه داد: این بنا در فهرست میراث ملی کشور ثبت نشـده و مطابق شـواهد و وجوه تسـمیه آثار تاریخی با معماری منتسـب به عهد صفوی در منطقه و شهرستان مهدی‌شـهر که به طـور عمده با جـداره بیرونی اندود گچ ساخته شـده، اجرا می‌شـود. همان زمان گفته شد که این اظهارات یعنی اینکه چون بنایی در زمره بناهای ثبت شده در فهرست آثار ملی نباشد، می‌توان آن را گچ و سیمان کرد! ثانیاً بازگرداندن هویت و اصالت بنا در قاموس میراث فرهنگی با آنچه مردم می‌اندیشند، متفاوت است.

محمدرضا محمدی‌مقدم از کارشناسـان حوزه بناهای تاریخی و معماری معتقد اسـت؛ اگر به مسجد پامنار توجه کنیم هیچ چیز سـفیدی در آن دیده نمی‌شود. بنایی خشتی و آجری اسـت که در ادامه سیمان نیز به آن افزوده شده اما به چه دلیل گچ و خاک سـفید برای پوشاندن غشاء آجری و زیبای این منار انتخاب شده، شگفت‌آور است. به اعتقاد او؛ می‌شـد با زیبایی تمام خشـت‌ها را دوباره بندکشـی، زیباسازی، مقاوم‌سازی و حتی پوشش‌دهی کرد.

سفرنامه

آن چشم‌های نجیب

وسط یک ناشناختگیِ بزرگ

فاطمه بهروزفخر
نویسنده و پژوهشگر حوزه روایت

همان شـب اولی که رسیدم مشهد و خزیدم زیر ملحفه و پتویی که نشان هلال احمر داشـت، بی‌صدا گریه کردم. فکر کردم هنوز پایم را بیرون از مرز نگذاشـته‌ام و همه‌چیز دارد خـارج از اراده و پیش‌بینی‌ام غافلگیـرم می‌کند، پایم را کـه بگذارم آن‌طـرفِ مرز قرار اسـت چطـور تمام این پیش‌بینی‌ناپذیرهـا را تـاب بیـاورم؟ این حجم از نوسـان احساسـات و تنِ ضعیف را که نمی‌دانم قرار اسـت دقیقاً در کدام جاده و شـهرِ چنین سـفری غافلگیرم کند، چطور مدیریت کنم؟

سـردم بود و تنم را جمع کرده بـودم زیر پتو و دلم بیش از همه، آقاجانم را می‌خواسـت و هیچ نمی‌دانستم دل‌تنگی برای پدربزرگِ باغبانم چطور سروکله‌اش در اینجا پیدا شد: اتاقی کوچک در محلهٔ حاشـیه مشهد که به‌سختی ساعت ۱۰ شب پیدایش کرده بودم تا بتوانم شب را بمانم و صبح بروم حرم برای سپردن خودم به‌عنوان کار مهمی از اقداماتِ پیش از سفر. همین‌طور که آرام اشک‌ها می‌جوشید، انگار از تن و بدنم هزار خستگی بیرون می‌آمدند. هیچ ایده‌ای نداشتم که قرار است سفر را چطور بگذرانم. رفته بودم ترمینال جنوب، سـوار اولین اتوبوس شده بودم تا برسم مشهد. هوا که رو به تاریکی رفت با خودم فکر کردم، حالا شـب را کجا بمانم؟ برای خودم مقرر کرده بودم، مرامِ این سـفرت «هرچه پیش آید، خوش آید» باشـد. آمده بودم همیـن را تمرین کنم و خودم را بیندازم وسط یک ناشناختگیِ بزرگ که نمی‌دانستم چه خوابی برایم دیده. بعد از رد کردن نیشابور، مصمم شدم جایی برای برای اقامت یک شبه پیدا کنم. برنامه‌ام یک شب بود اما دو شـب ماندم. تـوی آن دو روزِ تعطیلی هیچ بلیتی برای تایباد نبود و باید صبر می‌کردم تا تعطیلی تمام شود.

اتاقی به قیمت هشـتصد هزار تومن برای هر شب اجاره کرده بودم، یکی از سـه اتاق اجـاره‌ای خانه‌ای کلنگی که احساس می‌کردم حداقل سه نسل را به خودش دیده است؛ بس کهنـه و روزگاردیده بود. با این حال غنیمتی بود که دو روز من را در آن ازدحام و شـلوغی مشهد در خودش جای داد و همان اول سـفر، حکم زهرِچشـمی را داشت که باید نشانم داده می‌شد:

«این سفر با بقیه سفرها فرق داشت.»

و این فرق را از همان نزدیکِ مرز، موقع رد شدن از صف کنترل پاسپورت فهمیدم.

تا پاسـپورتم را دادم مأمور انتظامی کنترل پاسپورت، با صدای بلندی پرسـید: «ایرانی هستی؟» سـر تکان دادم. طوری پرسـید «ایرانی هسـتی»، خیال کـردم دیدن یک ایرانی در مرز ایران و افغانسـتان برای رفتن به آن طرف مرز احتمالاً باید جزو همان اتفاقات نادری باشـد که هر مأمور نیروی انتظامـی در مرز تایباد - اسـلام‌قلعه فقط به تعداد انگشت‌های دست در دورهٔ خدمتش با آن مواجه می‌شود.

بعد همان‌طور که داشـت پاسـپورتم را با دقت زیرورو می‌کرد: بـا لبخند کجی گفـت: «چرا افغانسـتان حالا؟ جـا قحطه؟ چـرا پس‌رفت کردی؟ یه صفحـه قبل ویزای روسیه، صفحات قبل‌تر ویزای جاهای دیگه ... بعد ویزای افغانستان آخه؟»

سـاکت بودم و هیچ دلـم نمی‌خواسـت وطن‌دارهای افغانسـتانی توی صف، صدای مرد را بشـنوند. بعد گفت: «اصلاً چرا صف وایسـادی؟ ایرانی‌ها کـه نباید اینجا توی صف بمونن. می‌اومدی جلو... چرا نرفتی مالزی؟ می‌رفتی سنگاپور... همین اندازه خرج داره.»

نمی‌خواستم چیزی بگویم. فقط گفتم: «افغانستان هم مثل همهٔ آن کشورهایی است که ویزای‌شان تو پاسپورتم جا خوش کرده.» بعد نگاهی به پشـتِ سرم انداختم؛ آن صفِ طویل مردانی با لباس محلی افغانسـتان و تک‌وتوک زنی را که در صف جداگانه داشـتند من و مأمور کنترل پاسپورت را نگاه می‌کردند.

مُهر خروج که توی پاسپورتم خورد، کوله‌ام را روی دوشم انداختم و رفتم سمت در. داشـتم بیرون می‌رفتم که زنی از میان صف خودش را رساند نزدیکم. بی‌هیچ کلمه و حرفی، دستم را باز کرد و از مشـتِ دستِ نحیف و لاغرش، سه تا شکلات گذاشت کف دسـتم. «بخیر بیای خواهر!» این را گفت و دوباره رفت لابه‌لای آدم‌های توی صف.

*ستون سفرنامه یک‌شنبه و پنج‌شنبه هر هفته منتشر می‌شود

روشنفکران لیبرال‌ستیز

تجدید چاپ چرا روشنفکران، لیبرالیسم را دوست ندارند ریمون بودُن با ترجمهٔ مرتضی مردیها

رابرت نوزیك، فیلسـوف سیاسـی آمریکایی در مقالهٔ معروف «چرا روشـنفکران بـا سـرمایه‌داری مخالفند؟» تعـارض بین مکانیسم ارزش‌گذاری در سیسـتم آموزشی با محیط اجتماعی را عامل اصلی مخالفت و ضدیت روشـنفکران با سـرمایه‌داری می‌داند و معتقد است، روشـنفکران در مدرسه آموخته‌اند که در مقایسـه با دیگران ارزش بیشـتری دارند و به همین جهت محق دریافت پاداش‌های بیشـتری هستند اما در جامعه و نظام بازار به خاطر دارا بودن آن ارزش‌ها، پاداشی به آن‌ها داده نمی‌شود و عزیز شمرده نمی‌شوند بنابراین آن را ناعادلانه می‌دانند و انتظار دارند که کل جامعه مانند مدرسه باشد وچون نظام بازار برخلاف تصورات و تمایلات روشنفکران بود و هست، وظیفه خود می‌دانند علیه آن از هیچ تلاشیی فروگذار نباشند.

ریمون بودُن، جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی هم در این زمینه تأملات قابل توجهی دارد و در کتاب «چرا روشـنفکران لیبرالیسم را دوست ندارند» به تفصیل نظراتش در این خصوص را بیان کرده اسـت. این کتاب در واقع متن مکتوب و ویراستهٔ سـخنرانی بودُن بـرای اعضای حـزب لیبرال سـوئیس و به دعوت این حزب ایراد کرده و در آن به زبانی سـاده و شفاف به ریشه‌یابی دشمنی روشنفکران با لیبرالیسم پرداخته است. «چرا روشـنفکران لیبرالیسم را دوسـت ندارند» با ترجمه و مقدمهٔ مرتضـی مردیها، همراه با مقدمهٔ مترجم بر چاپ تازهٔ این کتاب در بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه منتشر شده است. این کتاب قبلاً با همین ترجمه، چند سـال پیش توسط انتشارات مینوی خرد منتشر شده بود.

ریمون بودُن در توضیح علل عقاید لیبرال‌سـتیز روشنفکران، نخست روشنفکران را به سه دستهٔ «تولیدکننده»، «توزیع‌کننده» و «مصرف‌کننده» عقاید تقسیم می‌کند سپس لیبرالیسم را از ابعاد گوناگونـی نظیر اقتصادی (اعتقاد به بازار آزاد در برابر تنظیم‌گری و تصدی‌گری دولت)، سیاسـی (لزوم برابری حقوق و گسـترش آزادی‌ها و منع دخالت دولت)، فلسفی (پیگیری حداکثر استقلال ممکن برای افراد در انتخاب سـبک زندگی و حفظ کرامت او) و شناخت‌شناسانه (تصور فرد به مثابه موجود عقلانی که طبق یک روان‌شناسی معمولی عمل می‌کند) مورد توجه قرار می‌دهد. لازم به تأکید اسـت که بودُن در کتاب «چرا روشـنفکران لیبرالیسم را دوسـت ندارند» بیشتر معنای فلسفی لیبرالیسم را مدّ نظر دارد و بر آن متمرکز است.

بودُن در مقدمهٔ کتاب «چرا روشـنفکران لیبرالیسم را دوست ندارنـد» می‌گویـد در این کتاب سـعی کرده بر مکانیسـم‌های اجتماعی و شـناختی‌ای نور بتاباند که به اعتقاد او لیبرال‌ستیزیِ روشـنفکران از آن‌ها ناشی می‌شـود. او در ابتدای پیش‌گفتارش بـه نظریات بعضی متفکران دربارهٔ علت سـتیز روشـنفکران با لیبرالیسم از جمله نظریهٔ نوزیک که ریشهٔ این ستیز را روانشناختی می‌داند، اشـاره کرده امـا در ادامه تأکید می‌کنـد، می‌خواهد از منظر شناخت‌شناسانه و جامعه‌شناسـانه به ریشه‌یابی این ستیز بپردازد. بودُن در واقع در بحث از چرایی ستیزِ غالبِ روشنفکران با لیبرالیسـم، هم آن‌چه را در سَرِ روشـنفکران می‌گذرد و آن‌ها را به‌جانب عناد با لیبرالیسم سوق می‌دهد، عاملِ این عناد می‌داند و هم زمینه‌ها و عواملی اجتماعی را مورد توجه قرار داده اسـت. در

کتاب «چرا روشنفکران لیبرالیسم را دوست ندارند» هم سخن از دلایلِ تولید اندیشه‌ها و متونِ لیبرال‌ستیز به میان می‌آید و هم سخن از این‌که چرا این اندیشـه‌ها و متون در جامعه مشتری و خریدار پیدا می‌کنند.

بودُن موضوع بحث خود را بر بازهٔ زمانی ۱۹۵۰ به بعد متمرکز کرده و مثال‌هایی هم که آورده بیشتر مربوط به اروپا و آمریکای شمالی اسـت. او در آغاز بحث به انواع لیبرالیسم و پیچیدگی موضوعی که دارد درباره‌اش حرف می‌زند، اشاره می‌کند سپس لیبرالیسم را در چشـم‌اندازی تاریخی به‌اجمال مرور می‌کند تا ابتدا روشـن کند، لیبرالیسم ریشه در کدام اندیشه‌ها دارد و چه مسیری را طی کرده است و چه نقدهایی از جانب خود لیبرال‌ها بر بعضی سیاسـت‌های لیبرالی وارد شده و مارکسیست‌ها چه نقدهایی بر لیبرالیسم مطرح کرده‌اند و این‌ها همه زمینه‌ای است برای ورود به بحث اصلی نزاعِ غالبِ روشـنفکران با لیبرالیسم و چرایی این نزاع.

به طور کلی پاسـخ بودن به پرسشی که بر جلد کتاب نقش بسته یعنی چرا روشـنفکران لیبرالیسم را دوست ندارند؟ چنین است: «چون عقاید و مواضع لیبرال‌ستیز هم تولیدش مقرون به صرفه است، هم مشتری‌گیر است و بازار مصرف دارد. اهمیت این عقاید به صحیح بودن آنها نیسـت، به این است که در عمل برخی مشـکلات را از بعضی حل می‌کند، به کمک آن می‌شود طرفـدار جمع کرد، راه‌هـای طولانی موفقیـت را میان‌بر زد؛ زحمات درک واقع‌بینانه و پیچیده مشـکلات را به خود نداد و دلسوز و اخلاقی جلوه کرد».

پایان قرن روشنفکران

مرتضـی مردیها در مقدمهٔ مترجم ضمـن بدیهی خواندن این ادعا که «روشنفکران لیبرالیسم را دوست نمی‌دارند» از پایان دورهٔ روشنفکری به مثابهٔ یک حرفه سـخن می‌گوید و دلایل آن را نیز چنین خلاصه می‌کند: ۱- دوران ایدئولوژی به سر آمده یا فضای آن تنگ شـده و دیگر کمتر کسـی به آن منش‌ها و روش‌ها و آن مدعیات و مواعید باور دارد. ۲- سـواد عمومی گسـترده شده و آدم‌ها بیشـتر خواهان اخبار و مواد خام هستند تا خودشان امور را تحلیل کنند. ۳- فضاهایی که غالباً مسـتعد پروردن روشنفکران بـوده، یعنی دانشـگاه‌ها، دفاتر و مراکـز روزنامه‌ها و مجلات و محافل هنری به طور رو به رشدی بیشتر نگران جنبه‌های حرفه‌ای کار خود شده‌اند؛ بیشـتر ملتفت شده‌اند که بی‌مایه فطیر است و حتی اگر اظهارنظر روشـنفکرانه منظور اصلی آن‌ها باشد، برای پیش‌برد آن محتاج‌اند، پشـتوانه‌ای از کارآمدی داشـته باشـند. ۴- دنیا روز به روز شـلوغ‌تر شده و روشنفکران هم مثل بسیاری چیزهای دیگر دچار افزایش کمیت بوده‌اند. ۵- حرف‌های بزرگ زده شـده است، تا حدی شبیه اینکه جغرافیای زمین کشف شده و دیگر مثل ماژلان و کلمب شانس ظهور کمتری دارند. بنابراین کمتر می‌توان مثل گذشته‌ها از کشف حقایق بزرگ خبر داد و راجع به هر چیز مهمی اظهارنظر قاطع کرد. زمانی گفته می‌شد، ریشهٔ همهٔ فلاکت‌ها در جهل است و نقشهٔ آگاهی و رهایی از جهل در جیب روشنفکران است اما الان دیگر این ادعا خریداری ندارد و آدمیان فهمیده‌اند، مشکلات بشر بیشتر ناشی از نتوانستن است تا ندانسـتن. بنابراین می‌توان گفت اگر قرن بیستم قرن روشنفکران بود، قرن بیست‌ویکم قرن عبور از روشنفکران است.

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

ایمن برانیم
سالم بمانیم

شناسه آگهی ۱۶۰۶۸۵۷

اداره‌کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان زنجان

نام مناقصه‌گزار: اداره‌کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان زنجان
نشانی: زنجان، بلوار شیخ اشراق، خیابان راهدار

موضوع مناقصه	مبلغ برآورد (ریال)	مبنای برآورد	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
خرید ۴ دستگاه لودر	۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	مقطوع	۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
نحوه دریافت	صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی اینترنتی www.setadiran.ir		
زمان دریافت	از روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۸ لغایت روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۵		
مهلت ارسال پیشنهادات	تا ساعت ۱۲:۰۰ ظهر روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۵		
زمان و محل گشایش پاکت‌ها	ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۶ در محل اداره‌کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان زنجان		

اداره‌کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان زنجان

۲۵۷

ایلان ماسک تحریم شد

پس از اظهارنظر ضداسرائیلی ایلان ماسک، دیزنی، لاینزگیت، آی‌بی‌ام و کمپانی‌های بـزرگ دیگر علیه او موضع‌گیری کردند. سخنگوی لاینزگیت گفت: این شرکت سرگرمی انتشار تبلیغات خود را در (X) «توئیتر سابق» به دلیل توئیت اخیر ایلان ماسک که جنبه یهودسـتیزانه داشـت، متوقف کرده است. این حرکت درحالی صورت می‌گیرد که لاینزگیت درحال بازاریابی برای اکران «بازی‌های گرسنگی: تصنیف پرندگان آوازخوان و مارها» است.

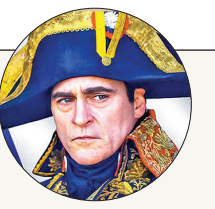

ناپلئون به چین می‌رود

فیلم حماسی تاریخی «ناپلئون» به کارگردانی ریدلی اسکات ماه آینده در سـینماهای چین اکران می‌شود. سونی اعلام کرد: این فیلم که محصول اپل و سـونی پیکچرز است، اجازه نمایش در سینماهای چین را به دست آورده و از اول دسامبر اکران آن شروع می‌شود. استودیوهای سازنده در معرفی فیلم گفته‌اند: این فیلم جزئیات ظهور و سقوط امپراتور مشهور فرانسه، ناپلئون بناپارت را با بازی بازیگر برنده اسکار خواکین فینیکس نشان می‌دهد.

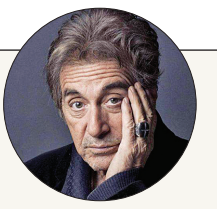

آل پاچینو در دستان دانته

جولین اشنابل به نشـریه ورایتی گفته اسـت: آل پاچینو در فیلـم تازه‌اش یکی از نقش‌های اصلـی را بازی می‌کند. «در دستان دانته» را شـبکه جنجالی نتفلیکس تهیه می‌کند و از حال‌وهوایی معمایی و جنایتکارانه برخوردار اسـت. داستان فیلـم در کشـور ایتالیـا و در فاصله قرن‌هـای چهاردهم تا بیست‌ویکم اتفاق می‌افتد و لوکیشن‌های سیسیل، رم، ونیز و ورونای ایتالیا مکان‌های اصلی فیلمبرداری آن هستند.

توقیف بی‌دلیل

سریال سرزمین مادری پس از ۱۰سال توقیف، بدون هیچ مشکلی پخش شد

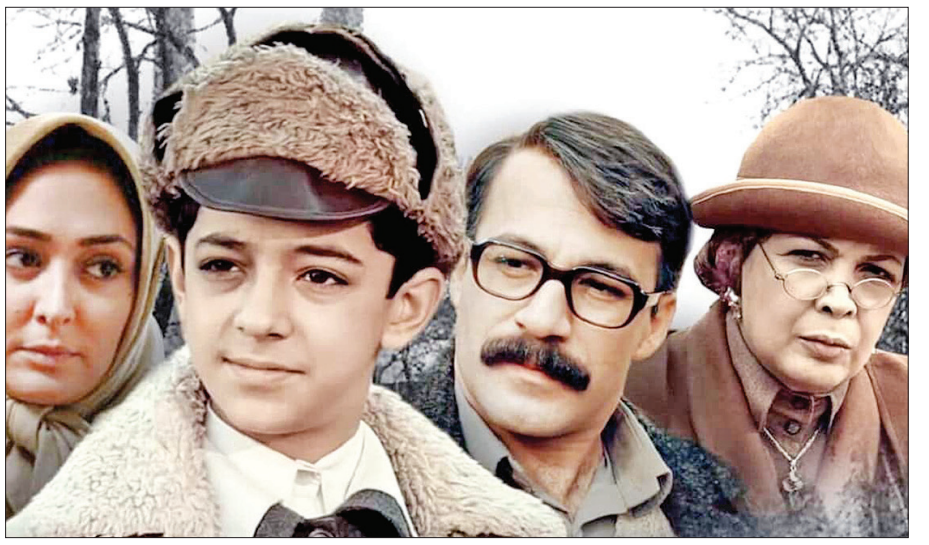

پس از ۱۵ سـال که از شروع ساخت سـریال «سرزمین مادری» گذشـته و دو بار که به صورت رسـمی از پخش آن جلوگیری شـده، بالاخره این مجموعـه از ۵ مهرماه ابتدا از تلویبـون و بعد از تلویزیون پخش شـد. ایـن مجموعه قرار بود از آثار فاخر سـازمان صداوسـیما باشـد که خود مدیران هم به موفقیت آن بسـیار امیدوار بودند. اما یک سوءتفاهم و حاشیه‌هایی که در ادامه برای این سریال به وجود آمد ۱۰ سال «سرزمین مادری» را در آرشیو تلویزیون باقی گذاشت.

شب ۲۰ بهمن سال ۱۳۹۲ بود، مردم و مخاطبان سریال‌های تلویزیونی سـاعت ۸ شـب در انتظار پخش قسمت چهارم سریال «سـرزمین کهن» در خانه‌ها مقابل تلویزیون نشسته بودند. هنوز چند دقیقه‌ای از پخش سریال نگذشته بود که امیر آقایی بازیگری که نقش پدر ناتنی رهی را بازی می‌کند، خطاب بـه خانواده بختیاری که حالا به نام «بهادری» در سـریال از آنها نام برده می‌شـود، دیالوگی گفـت. دیالوگی تا همین چند هفته پیش سـریال «سـرزمین کهن» را در آرشیو صداوسیما باقی گذاشـته بود. آن دیالوگ جنجالـی این بود: «به چه چیز خودتان افتخار می‌کنید؟ به کدام اصل و نسب؟ به سر پا گرفتن سگ‌های انگلیسی و کاسه‌لیسی کنسول انگلیس؟ می‌خواهید فردا سـر کلاس برای بچه‌ها، قصه اینکـه بختیاری‌ها چطور بختیاری شدند را بگویم؟» دیالوگی که بیشتر نشان از عصبیت یک فرد در مقابل خانواده‌ای با نام فامیل بختیاری بود، نه قوم و ایل بختیاری.

به سرعت خبر به سران قوم بختیاری رسید و فردای آن روز عده زیادی در مقابل فرمانداری مسجدسـلیمان و شهرهایی که اقوام بختیاری در آن سـاکن هسـتند، دست به تحصن و اعتـراض زدند. نماینده‌های مجلس اعتـراض خود را اعلام کردند و اسـتاندار چهار محال‌وبختیـاری خواهان محاکمه سازندگان و مشاوران تاریخی این سـریال شد. با بالا گرفتن اعتراضات بختیاری‌ها نسـبت به سریال «سرزمین کهن» ۷۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با بیانیه‌ای خواستار توقف توهین صداوسیما به مردم بختیاری شدند. همچنین آنها خواسـتار بررسی پرونده این سریال در شـورای عالی امنیت ملی کشـور بودند. دامنه این اعتراضات تا به آنجا کشیده شد که عزت‌الله ضرغامی، رئیس وقت سـازمان صداوسیما بدون هیچ تشریفاتی به مسجدسلیمان رفت تا در مسجد جامع این شهر از مردم بختیاری دلجویی کند. محمودرضا تخشید، مدیر گروه سریال شبکه سـه هم در پی این اتفاقات برکنار شد. اما این دلجویی‌ها انگار دردی را دوا نکرد و بختیاری‌ها خواستار توقف کامل این سریال بودند. همه اینها دست‌به‌دست هم داد تا «سرزمین کهن» که حالا با نام «سرزمین مادری» روی آنتن می‌رود بیش از ۱۰ سـال در آرشیو تلویزیون بماند و تا به امروز هیچ‌کس هم عدم ادامه پخش آن را بر گردن نگیرد.

در اواخر تابسـتان ۹۴ پـس از نزدیک به دو سـال که از ماجرای توقف ساخت سرزمین کهن می‌گذشت، زمزمه‌هایی درباره حل شـدن اختلافات و از سـرگیری پخش «سرزمین کهن» به گوش می‌رسـید تا اینکه کمال تبریزی اعلام کرد تا پایان سـال، کار ساخت فاز سوم را شـروع خواهد کرد. همه این حرف‌ها و گمانه‌زنی‌ها در نوروز ۹۵ به پایان رسـید و گروه تولید سرزمین کهن وارد سـاخت فاز سوم شدند. در آن زمان هنوز صحبت درباره پخش سـریال خیلی قطعی و رسمی به نظر نمی‌آمد و منابع نزدیک به معاونت سـیما، پاییز ۹۵ را به عنوان زمان از سـرگیری پخش این سریال در تلویزیون اعلام می‌کردند. همه این تغییرات برای این به وجود آمد که سـریال مسیر تولید طبیعی خود را طی نکرد و دچار فراز و نشیب‌های بسیار شد. این سریال در سه فاز جلو دوربین رفت. فاز سوم آن زمانی ساخته شد که پخش فاز اول آن متوقف شده بود!

حالا «سـرزمین مادری» روی آنتن است و حتی برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای هم اقدام به پخش آن کردند که نشان از استقبال از این سـریال دارد. مجموعه خوش‌ساخت و قابل قبول با فیلمنامه‌ای با کیفیت و اسـتاندارد که هم تماشاگر را راضی می‌کند و هم مدیران می‌توانند برای ساخت و پخش آن سر خود را بالا نگه دارند و به چنین مجموعه‌ای ببالند.

اما واقعاً هیچ یک از این مدیران با خود فکر کرده‌اند، چنین سریالی با این کیفیت چرا باید ۱۰ سال در توقیف بماند؟ در تمام این سال‌ها، تعداد زیادی مجموعه ضعیف و بی‌کیفیت ساخته شـده و روی آنتن رفته و کسی حواسـش نبود که «سرزمین کهنی» وجود دارد که تلویزیون می‌تواند با پخش آن برای خود مخاطب بخرد و بسیاری از مخاطبان از دست رفته را دوباره به خود جلب کند.

اگر این سـریال در زمان خود پخش می‌شـد، تاثیر مهمی در کارنامه سـازنده و حتی بازیگرانش داشت. تبریزی اگر این سـریال در همان زمان دیده می‌شد به طور حتم مسیر دیگری را در کار خود پیش می‌گرفت و فیلم‌هایش همین حالا کیفیت دیگری داشتند.

اما اینها برای مدیران تلویزیون چه اهمیتی دارد. آنهایی که پخش یا عدم پخش سـریالی فاخر برایشـان اهمیتی ندارد به این چیزها هم بی‌توجه‌اند و برایشان فرقی نمی‌کند که با پخش نشدن یک سریال چه بر سر عوامل و سازنده آن می‌آید.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره RNL-0248013-MM تحت عنوان خرید پوزیشنرهای یوکوگاوا

نوبت اول

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند(سهامی عام)

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند در نظر دارد تامین موضوع صدرالاشاره را از طریق مناقصه عمومی طبق اسناد مناقصه به تامین کننده واجد شرایط واگذار نماید. شرکتهای متقاضی می توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت در مناقصه به سایت WWW.IKORC.IR مراجعه نمایند.

۱- موضوع مناقصه :

الف) شرح مختصر:

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تعداد/مقدار	مبلغ برآورد(ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه(ریال)
۱	RNL-0248013-MM	پوزیشنرهای یوکوگاوا	یک قلم/۲۰ عدد	۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۶۱,۰۰۰,۰۰۰

ب) تضمین مورد قبول شامل : ضمانتنامه بانکی / چک تضمینی / چک بین بانکی /واریز وجه نقد

ج) شرکت در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.

۲) کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط میتوانند مطابق تاریخ های ذیل جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه نمایند و پس از دریافت اسناد و مطالعه آن ، مستندات ارزیابی کیفی را در قالب لوح فشرده در مهلت مقرر به آدرس ذیل ارسال نمایند . بدیهی است پیشنهاد هایی که با شرایط مندرج در فراخوان اختلاف داشته و ارسال مدارک مناقصه از سوی متقاضیان بعد از مهلت مقرر قابل پذیرش نمی باشد. پس از ارزیابی کیفی از متقاضیان تائید شده جهت ادامه فرآیند مناقصه دعوت بعمل خواهد آمد.

۳) مهلت دریافت اسناد : ۳-۱- مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۶ ۳-۲- مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

۴) نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: اراک، کیلومتر ۲۰جاده بروجرد- دو راهی شازند- شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند - اداره تدارکات کالا- اتاق ۱۱۸

تلفن تماس: ۳۳۴۹۲۸۳۳-۰۸۶(آقای مظاهری) یا ۳۳۴۹۲۸۴۰-۰۸۶ فکس: ۳۳۴۹۱۵۰۷-۰۸۶ یا ۳۴۱۶۶۰۱۳-۰۸۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند

۲۵۹

دیدگاه: یادداشت سینمایی

فن‌نویسی

فیلمنامه‌نویسی نیازمند یادگیری و تمرین مداوم است

حسن محمدی
تهیه‌کننده

نویسندگی، فن است یا هنر؟ سال‌هاست که نویسندگان به‌ویژه فیلمنامه‌نویسـان از زوایای مختلف به این مهم می‌پردازند.

مدارس سـینمایی در هالیوود یا کالج‌های اروپایی همواره در ایـن خصوص مباحثات علمی جدی داشـته‌اند. چرا این موضوع مهم اسـت؟ چرا فـن بودن یا هنر بودن نویسـندگی و فیلمنامه‌نویسـی اهمیت دارد و این اهمیت از کجا نشـأت می‌گیرد؟

نوشـتن چه فن باشـد، چه هنر، ابزاری در دست خالق آن اثر اسـت که با آن ابزار مخاطب‌اش را به درون سـرزمینی می‌بـرد و گاهـی او را رها می‌کند تا با ذهن خـود برود به هر سـو که می‌خواهـد و گاهی هم دسـت‌اش را می‌گیرد و او را می‌برد به جایی که می‌خواهد. به هر حال، نویسـنده در مقام خالق داسـتان با فن و ابزارهای کلامی و انشایی، هنرمندانه مخاطب را غرق محتوای داسـتان و حتی تصویرسازی‌های لای خطـوط می‌کند. حتی اگـر بپذیریم این دیـدگاه را که نویسـندگی فن اسـت اما این فن وقتی وارد سینما می‌شود و نویسنده در قالب یک فیلمنامه‌نویس می‌خواهد ایده خودش را با کاراکترهای طراحی شـده‌اش تلفیق کند، دیگر فقط فن کار نمی‌کند بلکه ذوق و هنر لازم است تا اثری، اثرگذار شود. در واقع فیلمنامه‌نویسـی هم یک فن و هم یک هنر اسـت. درست مانند سایر اشکال هنری، فیلمنامه‌نویسی نیاز به ترکیبی از مهارت‌های فنی و خلاقیت هنری دارد.

از جنبه فنی، فیلمنامه‌نویسـی نیازمند آشـنایی با اصول سـاختاری، قوانیـن نقشـه‌برداری داسـتان، تکنیک‌های روایت و نحوه سـازماندهی صحنه‌ها و دیالوگ‌هاست. یک فیلمنامه‌نویس باید بتواند داستانی پرشور و جذاب را به صورت منطقی و جذاب به صورت نوشـته‌ای نگاشته و تصاویری در ذهن خواننده ایجاد کند.

از سوی دیگر، فیلمنامه‌نویسی یک هنر است زیرا نیازمند خلاقیت و توانایی بیان افکار و احساسات عمیق است. یک فیلمنامه‌نویس باید این توانایی را داشـته باشـد که داستان‌ها و شـخصیت‌های متنوع و درسـتی خلق کند و به طور موثر عواطف و تجربیات انسانی را به تصویر بکشد. اساساً فیلمنامه را یک هنرمند می‌نویسد، نه یک فرد مسلط به انواع و اقسام علوم و دانش. البته هنرمندی که مسلح باشد به سلاح مطالعه و اهل مطالعه روزانه‌ای که به دانش‌هاش می‌افزاید باشد حتماً فیلمنامه‌ای که به رشـته تحریر درمی‌آورد، مخاطب خودش را پیدا می‌کند و حتی اگر درسـت هم ساخته نشود در زمان و موقعیت مناسب خودش آن فیلمنامه کار می‌کند.

فیلمنامه‌نویس هنرمند، توانایی آن را دارد تا با اسـتفاده از زبان سینما و قدرت تصویرسـازی، داستانی منحصربه‌فرد و قابل تحسـین برای تماشـاگران خلق کند. در نتیجه می‌توان گفت، فیلمنامه‌نویسـی ترکیبی از فن و هنـر و نیازمند توازن بین دو جنبه اسـت. در واقـع فیلمنامه‌نویسـی یک فرآیند خلاقانه از هنر و فن اسـت. از یک سـو نیازمند خلاقیت، دانش درباره ساختار داستان، توانایی ساختن شخصیت‌های زنده و توانایی ایجاد جریان روایتی مطلوب اسـت اما در عین حال فیلمنامه‌نویسی نیازمند مهارت‌های فنی نیز است مانند تکنیک‌های نوشـتن صحنه، توزیع زمانی، استفاده از دیالوگ مناسب و ....

بنابراین، فیلمنامه‌نویسی یک فن است که نیازمند یادگیری و تمرین مداوم است. در حقیقت، موفقیت در فیلمنامه‌نویسی نه تنها به خلاقیت هنری بستگی دارد بلکه نیازمند آشنایی با قواعد و تکنیک‌های فیلمنامه‌نویسـی است. سری‌دوزی و سری‌نویسـی در فیلمنامه‌نویسی غلط و خطای بزرگی است که یک فیلمنامه‌نویس با این خطا هم به خودش ظلم می‌کند و هم به مخاطب و هم به تیم تولید. اگرچه در ایران و تقریباً در کمپانی‌های بزرگ سـینمایی متاسفانه این بعد از کار در تولید فیلم دیده نمی‌شـود و معمولاً دستمزد یک فیلمنامه‌نویس با یک بازیگر تفاوت فاحشی دارد. همین مساله موجب می‌شود که هنرمند فیلمنامه‌نویس برای امـرار معاش به جمع اهالی دوخت و دوز بپیوندد و تندتند بنویسد، گویی که یک دوربین عکاسـی در دست دارد و شـاتر می‌زند. امروز اگر سینما در ایران و جهان دچار آسیب جدی شده ناشی از کمبود فیلمنامه خلاقانه است، فیلمنامه‌ای که به دنیا از زاویه دید متفاوتی نگاه کند، از زاویه دید یک انسان دغدغه‌مند.

گزارش ویژه

تصویب گزارش عملکرد ۶ ماهه شهرداری یزد در شورا

انتظار شتاب در اجرای پروژه‌های عمرانی را داریم

یزد – سیدمحمدجواد عرفان‌فر: رئیس شورای اسلامی شهر یزد در صحن علنی شورا گفت: خوشبختانه شهرداری توانسته در جذب بودجه و اجرای پروژه‌های عمرانی، شهر را به کارگاه عمرانی تبدیل کند.

عزیزالله سیفی، رئیس شورای اسلامی شهر یزد گفت: امسال در نقاط مختلف شهر یزد، پروژه‌های عمرانی در حال اجراست و شهرداری در بخش آسفالت و پروژه‌های زیربنایی عملکرد خوبی دارد اما در بخشی از مناطق به‌خصوص در حوزه عمران، مصارف بودجه قانع‌کننده نبوده است.

وی افزود: با وجود اجرای پروژه‌های مختلف عمرانی در سطح شهر، گزارش ۶ ماهه نشان می‌دهد که هزینه‌کرد

پروژه‌های عمرانی نسبت به جذب بودجه تناسب ندارد و ارقام بودجه نشان‌دهنده این است که پروژه‌ها شروع شده اما سرعت نگرفته که امیدواریم با حضور معاونت جدید در حوزه عمرانی شهرداری شاهد شتاب جدی در این پروژه‌ها باشیم.

سیفی تاکید کرد: انتظار داریم کمیته بررسی درآمدهای پایدار شهرداری به صورت منظم برگزار شود تا بتوانیم با رصد درآمدها، بودجه مناسبی که اختصاص داده شده آن انتظاری که اعضای شورا دارند در روند اجرای پروژه‌ها اقدام شود.

وی ادامه داد: همچنین لازم است، گزارش ۶ ماهه در سایت شهرداری جهت اطلاع عموم مردم قرار گیرد تا مردم بتوانند با دقت از درآمد، هزینه و روند کاری‌ای که شهرداری و شورای اسلامی شهر در راستای بودجه دنبال می‌کند، آگاه شوند و نظرات خود را بیان کنند.

آگهی فقدان سند مالکیت

شماره نامه : ۱۴۰۲۸۵۶۱۶۰۰۱۰۳۰۲۷۰ تاریخ ارسال نامه : ۲۰ / ۰۸ / ۱۴۰۲

آقای فریدون هادیخانی طبق درخواست به شماره وارده ۲۹۰۸۲ مورخ ۱۱ / ۰۸ / ۱۴۰۲ و با تقدیم دو برگ فرم استشهادیه محلی مصدق شده به شماره ۷۳۰۱۷۶ مورخ ۱۰ / ۰۸ / ۱۴۰۲ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۱۴۹ کرمانشاه مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ثبتی ۱۵۳۵۸ فرعی از ۳۵۸ اصلی واقع در بخش یک حومه کرمانشاه که ذیل سند مالکیت المثنی بشماره چاپی ۸۱۵۴۶۲ سری الف سال ۰۰ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۱۶۰۰۱۰۰۰۴۳۸ ثبت و بنام آقای فریدون هادیخانی صادر و تسلیم گردید و بعلت سرقت مفقود شده است.
مشخصات ملک و مالکیت : یک قطعه ساختمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۱۵۳۵۸ فرعی از ۳۵۸ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۱۴۵۸۷ / ۱۲۳۶۹ فرعی از اصلی مذکور در طبقه و واقع در بخش ۹۹ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک استان کرمانشاه به مساحت ۱۷۰ متر مربع با مالکیت فریدون هادیخانی فرزند حسن با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۲۳۲۸ تاریخ ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۹۵ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۴۷ شهر کرمانشاه استان کرمانشاه، موضوع سند مالکیت المثنی بشماره چاپی ۸۱۵۴۶۲ سری الف سال ۰۰ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۱۶۰۰۱۰۰۰۴۳۸ ثبت گردیده است.
محدودیت: یک مورد بازداشت دائم بموجب دستور شماره ۱۴۰۰۵۰۹۹۰۰۱۱۳۶۳۲۷۱ مورخ ۱۱ / ۰۶ / ۱۴۰۰ صادره از اجرای احکام شعبه ۸ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان کرمانشاه ذیل شماره بازداشتی ۱۴۰۰۰۵۸۱۶۰۰۱۰۰۲۱۲۹ به مبلغ ۴۶۰۰۰۰۰۰۰۰ به نفع- برای مالکیت فریدون هادیخانی بازداشت می باشد.
لذا مراتب طبق ماده ۱۲۰- آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه فرد یا افرادی مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت در نزد آنان میباشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۱۰ روز مراتب را به این اداره اعلام دارند در غیر اینصورت نسبت به صدور سند مالکیت طبق مقررات اقدام و سند مالکیت اولیه از درجه اعتبار ساقط و ابطال خواهد شد.
صرفا بر اساس اطلاعات سامانه جامع املاک بررسی و دارای یک فقره بازداشت بشرح فوق است.
سجاد مویدی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک
۲۵۸

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه اصغر امین املشی با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ۹۰۳۳۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۰ دفترخانه ۶۳ تهران و درخواست وارده ۱۴۰۲۸۵۶۰۱۱۵۱۰۱۸۳۶۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۲ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده است، مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:
نام و نام خانوادگی مالک: اصغر امین املشی
شماره پلاک ثبتی: ۲۰۰۰۷ فرعی از ۴۸ اصلی
علت گم شدن: جابجایی
خلاصه وضعیت مالکیت: در تاریخ ۸۲/۰۸/۰۷ سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان واقع در طبقه دوم شرقی به مساحت ۱۰۳/۳۲ متر مربع که مقدار ۴/۱۲ متر مربع آن پیشرفتگی به فضای خیابان و ۱/۱۶ متر مربع آن بالکن است قطعه هشتم تفکیکی به پلاک ۲۰۰۰۷ فرعی از ۴۸ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۸۰۸۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۱ تهران به انضمام ششدانگ انباری شماره ۱۰ واقع در زیرزمین به مساحت ۲/۲۲ متر مربع با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها ذیل ثبت ۳۸۲۹۷۰ صفحه ۲۵ دفتر ۱۵۴۴ به شماره چاپی ۱۰۴۲۹۲ سری الف سال ۸۱ به نام مجتبی آقا زاهدی ثبت و صادر و تسلیم شده است. مجتبی آقا زاهدی به موجب سند قطعی ۲۶۰۶۸ مورخ ۸۵/۰۴/۰۳ دفترخانه ۲۰۱ تهران ششدانگ را به اصغر امین املشی منتقل نموده است. اینک با توجه به اعلام مفقودی سند مالکیت مورد ثبت فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن؛ مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و این معامله در این آگهی قید نگردیده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.
۱۴۴۴۳ م الف رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لویزان تهران – ابوالفضل تریوه
شناسه آگهی ۱۶۰۵۵۴۷

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه زهره فرح روز با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ۴۶۹۲ و ۴۶۹۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ دفترخانه ۵۹۲ تهران و درخواست وارده ۱۴۰۲۸۵۶۰۱۱۵۱۰۱۷۴۶۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده است، مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:
نام و نام خانوادگی مالک: زهره فرح روز
شماره پلاک ثبتی: ۱۰۹۰۳ فرعی از ۴۵ اصلی
علت گم شدن: جابجایی
خلاصه وضعیت مالکیت: در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ سند مالکیت تکبرگ ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به شماره ۱۰۹۰۳ فرعی از ۴۵ اصلی قطعه ۱۰ تفکیکی مفروز و مجزا شده از ۱۳۹۷ فرعی از اصلی مذکور بخش ۱۱ تهران به مساحت ۷۲/۳۳ متر مربع واقع در سمت شمال طبقه ۴ به انضمام انباری قطعه ۱۰ تفکیکی به مساحت ۴/۰۷ متر مربع واقع در سمت شمال غرب طبقه زیرزمین به انضمام پارکینگ قطعه ۱۲ تفکیکی به مساحت ۱۰/۸۰ متر مربع واقع در سمت شرق طبقه همکف با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها و آیین نامه اجرایی آن ذیل ثبت الکترونیک ۱۴۰۰۲۰۳۰۱۱۵۱۰۲۵۱۱۶ به سریال ۹۸۱۶۱۱ سری ه سال ۹۹ به نام زهره فرح روز ثبت و صادر و تسلیم شده است. مورد ثبت طبق سند رهنی شماره ۲۴۶۱۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ دفترخانه ۱۲۰۲ تهران در رهن بانک مسکن شعبه رسالت بنی هاشم قرار دارد و بانک مذکور طی شماره ۸۶- ۲۶۷۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۵ موافقت خود را با صدور سند مالکیت المثنی اعلام نموده است.
اینک با توجه به اعلام مفقودی سند مالکیت مورد ثبت فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن؛ مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی، معامله کرده و این معامله در این آگهی قید نگردیده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صرت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.
۱۴۴۴۵ م الف رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لویزان تهران – ابوالفضل تریوه
شناسه آگهی ۱۶۰۵۵۵۲

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای پویا دانیالی نماینده شهرداری منطقه ۱۴ تهران برابر نامه شماره ۵۱۴/۴۲۷۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۹ و با ارائه ۴ برگ استشهادیه ۳۸۱۰۲ و ۳۸۱۰۴ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۴ مورد تائید دفتر ۱۴۰ تهران و درخواست وارده به شماره ۲۷۲۵۰ – ۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ مدعی است که ۲ جلد سند مالکیت مربوط به شش دانگ ۲ دستگاه آپارتمان هر یک به مساحت ۷۰/۳۴ متر مربع به شماره های ۱۱۹ و ۱۲۰ فرعی از ۳۹۲۰ اصلی واقع در بخش هفت تهران بنام شهرداری تهران و بشماره چاپی های ۵۵۷۵۰۹ و ۵۵۷۵۱۰ صادر و تسلیم گردیده که در اثر جابجایی مفقود گردیده درخواست صدور المثنی سند مالکیت نموده است لذا مراتب باستناد تبصره یک اصلاحی مورخه ۷۲/۹/۲ ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریاف نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد در غیر اینصورت پس از انقضای مهلت مزبور و عدم وصول اعتراض نسبت به صدور المثنی سند مالکیت طبق مقررات اقدام خواهد شد.
۱۴۴۴۶ م الف سرپرست حوزه ثبت ملک پیروزی تهران – غلامرضا غضنفری
شناسه آگهی ۱۶۰۵۵۵۶

اخطار به مالکین مشاعی پلاک ۸۷۸ فرعی ۱۱۷ – اصلی

نظر باینکه آقایان محمدعلی و محمدحسین و خانم ها سپیده و سحر شهرت همگی رفیع زاده مالکین مشاعی پلاک ثبتی ۸۷۸ فرعی از ۱۱۷ اصلی واقع در لواسان بزرگ بخش ۱۱ تهران تقاضای سند تک برگی نموده اند و ملک مرقوم دارای ۲۴۴/۶۵ متر مربع کسر مساحت می باشد. بنابر اظهار نامبردگان دسترسی به سایر مالکین مقدور نمی باشد. از اینرو بدینوسیله به اطلاع می رساند از طریق این آگهی مراتب اعلام و چنانچه سایر مالکین حقی برای خود قائل هستند از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به اداره ثبت اسناد و املاک لواسانات مراجعه نمایند. بدیهی است عدم حضور شما مانع از انجام عملیات ثبتی نمی گردد.
۱۴۴۴۷ م الف رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لواسانات – نصراله رادپور
شناسه آگهی ۱۶۰۵۵۵۷

آگهی ابلاغ تصمیم واحد ثبتی پلاک ۱۲۳/۲۴۶۰۶ واقع در بخش ۱۱ تهران

ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۲۴۶۰۶ فرعی از ۱۲۳ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۳۲۵۴ فرعی از اصلی مذکور، قطعه دوم تفکیکی واقع در طبقه یک بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک کن تهران استان تهران به مساحت ۱۱۶ متر مربع که مقدار ۲/۱۵ متر مربع آن بالکن جنوبی است و مقدار ۷/۱۴ متر مربع آن پیشرفتگی بفضای خیابان است بانضمام پارکینگ قطعه ۴ به مساحت ۱۱ واقع در طبقه منفی یک و انباری قطعه ۱ به مساحت ۶/۱۱ متر مربع واقع در شمال زیرزمین ذیل ثبت الکترونیک به شماره های ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۲۳۰۳۸۰۰۶ و ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۲۳۰۳۷۹۹۷ و ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۲۳۰۳۸۰۰۷ و به شماره های چاپی ۲۹۸۸۰۴ و ۲۹۸۸۰۳ و ۲۹۸۸۰۵ بنام آقای رضا نصراللهی نیا نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان باستثناء ثمنیه اعیانی و خانم پری نصراللهی نیا نسبت به یک دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان باستثناء ثمنیه اعیانی و خانم عشرت نصراللهی نیا نسبت به یک دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان باستثناء ثمنیه اعیانی ثبت و سند صادر گردیده است و سهم آقای بهزاد نصراللهی نیا نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان باستثناء ثمنیه اعیانی، تاکنون منجر به صدور سند نگردیده است. و فاقد رهن و بازداشت می باشد.
حالیه خانم عشرت نصراللهی نیا تقاضای افراز قدرالسهم ملکی مشاعی خود را به طرفیت پری و بهزاد و رضا همگی شهرت نصراللهی نیا و رودابه صدیقی هشتجین را نموده است و اعلام نمودند که خانم پری نصراللهی نیا مجهول المکان می باشد و در اجرای ماده ۳ قانون افراز و مادتین ۵ و ۶ آئین نامه قانون افراز املاک مشاع به پیوست صورتجلسه عدم افراز شماره ۱۴۰۰۸۵۶۰۱۰۲۳۰۱۸۳۰۸ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۰۳ ابلاغ می گردد. بدین وسیله تصمیم واحد ثبتی فوق باستناد مواد ۱۷ و ۱۸ آیین نامه اجرای اسناد رسمی به مشارالیه در ذیل ابلاغ میشود تا چنانچه اعتراض نسبت به تصمیم مزبور دارند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی اعتراض خود را به مراجع صالحه قضایی اعلام نمایید بدیهی است در صورت سپری شدن مهلت مقرر و عدم وصول واخواهی و گواهی طرح دعوی در مراجع صالحه قضایی، رای مذکور قطعی تلقی خواهد شد.
تصمیم واحد ثبتی پلاک ثبتی ۱۲۳/۲۴۶۰۶ واقع در بخش یازده تهران
خواهان: خانم عشرت نصرالهی نیا بنشانی: تهران آیت الله کاشانی خیابان بهمنی نژاد کوچه محمدی پلاک ۸ واحد ۲
خوانده ها: ۱- پری ۲- بهزاد ۳- رضا شهرت جملگی نصراللهی نیا بنشانی: مجهول المکان ۴- رودابه صدیقی هشتجین بنشانی کرج گلشهر شهرک استادان پلاک ۱۵ واحد ۱

ششدانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۲۴۶۰۶ فرعی از۱۲۳ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۳۲۵۴ فرعی از اصلی مذکور قطعه دوم تفکیکی واقع در طبقه یک بخش ۱۱ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک کن تهران استان تهران به مساحت ۱۱۶ مترمربع که مقدار ۲/۱۵ متر مربع آن بالکن جنوبی است و مقدار ۷/۱۴ متر مربع آن پیشرفتگی بفضای خیابان است، بانضمام پارکینگ قطعه ۴ به مساحت ۱۱ واقع در طبقه منفی یک و انباری قطعه ۱ به مساحت ۶/۱۱ متر مربع واقع در شمال زیرزمین ذیل ثبت الکترونیک به شماره های ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۲۳۰۳۸۰۰۶ و ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۲۳۰۳۷۹۹۷ و ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۰۲۳۰۳۸۰۰۷ و به شماره های چاپی ۲۹۸۸۰۴ و ۲۹۸۸۰۳ و ۲۹۸۸۰۵ بنام آقای رضا نصراللهی نیا نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان باستثناء ثمنیه اعیانی و خانم پری نصراللهی نیا نسبت به یک دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان باستثناء ثمنیه اعیانی و خانم عشرت نصراللهی نیا نسبت به یک دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان باستثناء ثمنیه اعیانی ثبت و سند صادر گردیده است و سهم آقای بهزاد نصراللهی نیا نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان باستثناء ثمنیه اعیانی، تاکنون منجر به صدور سند نگردیده است. و فاقد رهن و بازداشت می باشد.
لذا با عنایت به اینکه عملیات ثبتی خاتمه یافته و طبق پرونده ثبتی ارائه شده سابقه صدور سند مالکیت معارض مشاهده نگردید و از آنجا که ملک بصورت آپارتمان میباشد و وضعیت استقرار آن و میزان مساحت و تعداد مالکین مشاعی و مقدار سهام مشاعی هر یک، و سابقه پاسخ منفی شهرداری در اینگونه موارد بشماره ۵۰۵/۵۹۹۰۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۹ ، و نامه های ۱۰۱/۹۶۱۳۱۵۵۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۱۲ اداره کل محترم ثبت استان و نامه ۹۶/۱۷۹۸۵۷ مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۰۴ مدیر کل محترم املاک و نامه ۱۷۳۶۵۶ مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۱۳ معاونت محترم نظارت و بازرسی کل کشور و مکاتبات و پاسخ های اعلام شده و وضعیت کمی و کیفی مورد تقاضا و تعداد مالکین مشاعی و میزان سهام آنها، غیرقابل افراز تشخیص داده میشود. مراتب در اجرای مادتین ۵ و ۶ آئین نامه قانون افراز به متقاضی و سایر شرکا، برابر مقررات مذکور در ماده ۶ آئین نامه اخیرالذکر ابلاغ میشود تا در صورت اعتراض برابر ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع ظرف مدت ۱۰ روز ازتاریخ ابلاغ به دادگاه صالحه محل وقوع ملک مراجعه و رسید دریافت نمایند.
۱۴۴۴۲ م الف رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کن تهران – نادر کارگر
شناسه آگهی ۱۶۰۵۵۴۵

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir
سازندگی

ورود ایران به جنگ به نفع فلسطین نیست

حدادعادل ورود ایران به جنگ غزه را مصادف جنگ ایران و آمریکا دانست که خواسته اسرائیل است

برخلاف تندروهـــا از جریانات رادیکال که خواهان حضور مســتقیم ایران در جنگ غزه هستند، قوه عاقله نظام همچنان تاکیــد دارد که باید از چنین حضــوری پرهیز کرد. در آخرین واکنش به جنگ، علامعلی حدادعادل نیز به برخی هشدار داد که مراقب آنچه می‌گویند، باشــند. در واقع سیاست و منافع ملی می‌تواند مرزهای جناحی و تفاوت دیدگاه را از میان ببرد. جایی که حدادعادل ورود ایران به جنگ را به منفعت اسرائیل می‌بینــد و محمدجــواد ظریف نیز در ســخنانی می‌گوید که خواسته اسرائیل، ورود ایران و حزب‌الله به جنگ است. پس از توفان‌الاقصی و حمله تمام عیار و فاجعه‌بار اسرائیل به غزه برخی در داخل و خارج از کشور بر این گمان بودند که ایران به یکباره وارد جنگ خواهد شد. برخی نیز برای باز گذاشتن راه ورود ایران به جنگ، ورود حزب‌الله لبنان به جنگ با اسرائیل را با ورود ایران به جنگ با اسرائیل یکی کردند. اما نه ایران و نه حزب‌الله لبنان، قدم به این جنگ نگذاشتند، چراکه مشخص بود لشکرکشــی آمریکا به منطقه، مقدمــه ورود به جنگ به جای اسرائیل اســت. از این‌رو هم ایران و هم حزب‌الله لبنان با محاســبه دقیق متوجه شــدند که ورود به جنگ با اسرائیل در واقــع به معنای اعلام جنگ با آمریکاســت و در این میان کشوری که از این جنگ بهره‌مند می‌شود، اسرائیل است.

دیروز در شــرایطی که در شهرهای سراسر کشور تظاهرات گسترده‌ای در حمایت از کودکان غزه برگزار شد، حدادعادل از چهره‌های شاخص اصولگرا نیز بار دیگر دخالت و ورود ایران به جنگ غزه را منتفی دانست و آن را منطبق با منافع اسرائیل برشمرد.

حدادعادل، رئیس شورای ائتلاف انقلاب اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در یک برنامه تلویزیونی گفت: به اشــخاصی که خواهــان ورود ایران به جنگ غزه هســتند باید گفت شــاید این همان چیزی باشد که رژیم صهیونیستی می‌خواهد، یعنی تبدیل نبرد غزه به جنگ ایران و آمریکا. اگر این اتفاق بیفتد، آنکه جان سالم به در می‌برد، رژیم صهیونیستی خواهد بود. رژیم صهیونیســتی سال‌هاست که آمریکایی‌ها را بــه جنگ با ایران تحریک می‌کند. ورود ایران به جنگ به نفع آرمان فلسطین نیست.

ســخنان حدادعادل نشان‌دهنده این است که نظام سیاسی ایران به یک اجماع کلی در این باره رســیده که ورود به جنگ غزه به منزله جنگ با اســرائیل نیست و به نوعی اعلام جنگ به آمریکاســت که از خواسته‌های اساسی اســرائیل است تا زیرساخت‌های اصلی نظامی و اقتصادی ایران را ضعیف شده ببیند.

اگرچه حمایت‌هــای معنوی ایــران از مردم فلســطین پا برجاســت و ایران نیز همواره با مردم ســایر کشــورهای دنیا، نسل‌کشــی اســرائیلی‌ها در غزه را محکوم کــرده و می‌کند. مردم ایران دیروز در سرتاســر کشــور در راستای محکومیت «کودک‌کشــی»، «جنایــت»، «نسل‌کشــی»، «قتل‌عام»، «ترور»، «جنایــت جنگی» و «فاجعه انســانی» در غزه در راهپیمایی باشــکوه مردمی، حمایت خود را از کودکان مظلوم اعلام کردند و ضمن اظهار همدردی با مادران شهدای غزه، با اظهار خشم و عصبانیت از این میزان خباثت از مجامع جهانی خواستار قطع آدم‌کشی رژیم منحوس صهیونیستی و رسیدگی جدی به مردم آسیب‌دیده غزه شدند.

دیدگاه: یادداشت سیاست خارجی

راه چین از مسیر دو جنگ

چین نظاره‌گر دو جنگ بزرگی است که رقبایش را درگیر کرده است

امیرعباس نخعی
دبیر گروه جهان

دو جنگ ویرانگر، دنیا را تحت تاثیر خود قرار داده است. جنگ روسیه علیه اوکراین به اندازه کافی پرهزینه و نگران‌کننده بود که حمله اسرائیل به غزه شرایط را پیچیده‌تر هم کرد. غرب اکنون درگیر هزینه‌های سرسام‌آور دو جنگ بزرگ است. هم از اسرائیل پشــتیبانی می‌کند و هزینه‌های جنگ را بر دوش دارد و هم نمی‌تواند اوکراین را رها کند. روســیه نیز نشان داد که برخلاف تصورات موجود اگر هیچ‌گاه غول اقتصادی نبود، دیگر غول نظامی هم نیست و بی‌تردید دیگر ابرقدرت دوم دنیا نیســت، مگر آنکه بخواهد تسلیحات هسته‌ای غیرمتعارف را به رخ بکشــد. در غیر این صورت، نــه اقتصاد مهمی دارد و نه ارتشــی که زمانی بزرگ‌ترین ارتش دنیا محسوب می‌شد و اکنون دیگر قابل اعتنا نیســت. اما در این همهمه جهانی و درحالی که کشــورهای صنعتی بزرگ دنیا در غرب، اسیر دو جنگ بزرگ شــده‌اند، چین در آن گوشــه دنیا نظاره‌گر آرام و متحدی بدون صداست که از شرایط موجود تنها به منافع ملی خود می‌اندیشــد. چین هرگز حاضر نشد از روسیه در مقابل فشارهای غرب حمایت جدی به عمل بیاورد جز برگزاری یک مانور نمایشی دریایی. چین حتی به روسیه، متحد دیرین خود کمک‌های نظامی ارســال نکرد. پکن به درستی راه پیشرفت و تبدیل شــدن به یــک غول جهانی را دریافته اســت. راهی که تقریباً آمریــکا در جنگ جهانی دوم طی کرد. درحالی که تمامی قدرت‌های جهانی دنیا در آن زمان مشغول هزینه دادن بودند، آمریکا با کمترین هزینــه و در آخرین روزهای جنگ داخل شد و از جشن پیروزی برای خود دستاوردهای هنگفتی به دست آورد و شریک بازســازی‌های دنیا شد. چین امروز کشوری آرام و تابع قواعد بازی بین‌الملل است. نه خود را در مناقشات جدی وارد می‌کند و نه دوست دارد، هزینه‌ای برای جنگ‌افروزی دیگران بپردازد. «شــی»، رئیس‌جمهور چین راهی عاقلانه و دیپلماتیک را برای کشــورش برگزیده است. او موفق شــد پس از یک دوره تنش، روابط خود را با آمریکا بازســازی کند و اعلام کرد که با ایالات‌متحده به عنوان یک کشور توسعه‌یافته و مدرن در عالی‌ترین سطح ارتباط خواهد داشــت؛ چراکه به گفته وی، دو کشــور بزرگ دنیا نمی‌توانند راهی به‌جز مصالحه در پیش بگیرند. چین حالا در خاورمیانه (مرکز انرژی دنیا) نیز صاحب قدرت و نفوذ اســت و بی‌شک بعد از آمریکا، دومین کشور دنیا به لحاظ اقتصادی و نظامی اســت. پکن نظاره‌گر جنگ‌هایی است که رقبایش هزینه آن را می‌دهند و او تنها نظاره‌گر باتلاقی اســت که اوکراین برای غرب و حتی متحد دیرینش روسیه ایجاد کرده است. همچنین هزینه‌هــای هنگفت غــرب در جنگ غــزه درحالی که پکن اقتصادش را به پیش می‌برد و خود را جدا از کشــمکش‌های جهانی نگه داشته است.

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد ذمه)
آگهی مزایده مال غیرمنقول پرونده اجرائی کلاسه ۱۴۰۱۰۰۸۷۸

ششدانگ یکدستگاه آپارتمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۱۰۱ فرعی از ۲۷۰۷ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۱۷ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۷ واقع در طبقه ۴ در بخش ۲ تهران به مساحت ۹۷/۱۶ متر مربع محدود به حدود آپارتمان: شمالا: اول در دو قسمت دیوار و پنجره به فضای نورگیر مشاعی دوم دیوار به پلاک ۱۰ فرعی از ۲۷۰۷ اصلی شرقا: دیوار به درز انقطاع مورد تفکیک که ماوراى آن پلاک ۳ فرعی از ۲۷۰۳ میباشد جنوبا: اول در ۵ قسمت در و دیوار به راه پله دوم دیوار اشتراکی با اپارتمان مجاور سوم در دو قسمت دیوار و پنجره به نورگیر مشاعی غربا: دیوار به درز انقطاع از مورد تفکیک که ماوراى ان دیوار قطعه اول تفکیکی سابق میباشد. پارکینگ قطعه ۹ به مساحت ۱۱/۲۵ واقع در طبقه – ۱ به حدود اربعه: شمالا: خط مستقیم مفروض به محوطه مشاعی شرقا: خط مستقیم مفروض به محوطه مشاعی جنوبا: خط مستقیم مفروض به محوطه مشاعی غربا: دیوار به درز انقطاع از مورد تفکیک که ماورا آن دیوار قطعه اول تفکیکی سابق می باشد موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۳۵۶۳۹ سری الف سال ۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۵۲۰۳۰۱۰۲۵۰۰۳۱۴۶ O که در صفحه ۲۴۲ دفتر املاک جلد ۲۷۱۴ ذیل شماره ۴۱۱۶۱۱ بنام آقای محمد علی محمدی یان ثبت گردیده است که بعلت عدم ایفای تعهد به بانک ملی شعبه جوانان منجر به صدور اجرائیه تحت کلاسه شماره ۱۴۰۱۰۰۸۷۸ در اداره دوم اجرای اسناد رسمی تهران شده است و برابر نظریه مورخ ۱۲۰۰۳۱۷۶ – ۱۴۰۲/۴/۵ و (۱۲۰۰۴۲۳۲ – ۱۴۰۲/۵/۸ اصلاحی) کارشناس رسمی دادگستری توصیف اجمالی ملک عبارت است از: ملک فوق واقع است در تهران خیابان جمهوری اسلامی نرسیده به میدان بهارستان خیابان ظهیر الاسلام کوچه درویش پلاک ۱۵ طبقه ۴ و مورد ارزیابی ساختمان دارای ۷ طبقه شامل طبقات زیرزمین الی پنجم و شامل ۱۰ واحد اپارتمان واقع در طبقات اول الی پنجم (در هر طبقه دو واحد) می باشد در طبقات همکف و زیرزمین پارکینگ ها و انباری ها و موتورخانه مرکزی واقع میباشد نمای ساختمان ترکیب سنگ و اجر دارای یک دستگاه اسانسور کف پارکینگ سنگ اسکلت بنا فلزی دارای درب ریموت پارکینگ کف پله ها سنگ دست انداز پله ها نرده استیل می باشد ساختمان دارای انشعابات اب و گاز مشترک و برق عمومی و اختصاصی می باشد دارای درب ورودی ضد سرقت کف ان سرامیک دارای سالن دارای پارتیشن بندی چوبی دو اتاق سرویس بهداشتی حمام (تبدیل به انباری شده است) ابدارخانه اوپن با کابینت ام دی اف (در قسمتی از ان تجهیزات کامپیوتری نصب شده است) پوشش دیوارها سفیدکاری و نقاشی پتینه کاری پنجره ها و upvc شیشه دو جداره سیستم سرمایش ان کولر ابی و دستگاه های اسپیلیت یونیت و گرمایش ان شوفاژ مرکزی با رادیاتور می باشد و ارزش ششدانگ عرصه و اعیان اپارتمان (به استناد تصویر پایان کار ابرازی ۱۲۲۰۶۳۳۸۷ – ۹۶/۴/۲۲ اداری همراه کلیه امتیازات و انشعابات و کلیه حقوق متصوره و عینیه و مکتسبه ان از بابت حقوق کسبی و سرقفلی و حق کسب و پیشه و... به مبلغ ۶۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (شصت و سه میلیارد ریال) ارزیابی شده است و جهت وصول طلب بانک و حقوق دولتی کلاسه فوق الذکر در روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل اداره دوم اجرای اسناد رسمی واقع در تهران – چهارراه ولیعصر خیابان انقلاب نبش برادران مظفر پلاک ۹۱۹ ساختمان معاونت اجرای اسناد رسمی ثبت استان تهران – سالن مزایده از طریق مزایده حضوری بفروش می رسد و مزایده از مبلغ ۶۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (شصت و سه میلیارد ریال) شروع و به بالاترین قیمت که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد. (شرکت در جلسه مزایده برای عموم ازاد است و منوط به پرداخت ۱۰ (ده) درصد از مبلغ پایه مزایده به مبلغ ۶/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب سپرده ثبت و تحت شناسه واریز اعلامی از سوی حسابدار و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است و پرداخت مبلغ ده درصد صرفا به نحو: ۱- تا ۴۸ ساعت قبل از شروع مزایده از طریق POS و ۲- تا ۷۲ ساعت قبل از شروع مزایده از طریق سیستم بانکی میسر می باشد. لذا خریدار و یا خریداران می بایست تا قبل از شروع وقت مزایده اصل فیش واریزی مبلغ ودیعه ده درصد بنام خود را به همراه درخواست کتبی به واحد اجرا تسلیم و ثبت نمایند. ضمنا برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید میگردد.) ضمنا بدهی های مربوط به آب، برق، گاز، اعم از حق انشعاب و اشتراک و مصرف و نیز بدهی مالیاتی، عوارض شهرداری و غیره که رقم قطعی آنها برای این اداره معلوم نشده است بعهده برنده مزایده است حسب گزارش وارده شماره ۶۵۰۱ – ۱۴۰۲/۷/۱۶ مامور اجرا با تحقیقی که از همسایگان و مدیر ساختمان آقای محوری به عمل امد اظهار داشتند که ملک در تصرف شرکت داریان سات ال بوده که مدیرعامل شرکت نیز خود مدیون پرونده اقای محمد علی محمدیان می باشد و حسب اعلام بانک ملی شعبه جوانان به شماره مکانیزه ۸۳۰۰۰۰۳۸ – ۱۴۰۲/۵/۲۸ بیمه نمی باشد و تنظیم سند انتقال موکول به ارائه مفاصا حسابهای دارایی و شهرداری و... خواهد بود. این آگهی پس از تایید فرآیند مزایده در سایت آگهی های سازمان ثبت قرار خواهد گرفت و به منزله انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار محلی است.

تاریخ انتشار آگهی مزایده: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

۱۴۴۴۰ م الف — اداره دوم اجرای اسناد رسمی تهران

شناسه آگهی ۱۶۰۵۵۴۰

آگهی ابلاغ مفاد رای موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

براساس موجب رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۴۰۰۰۵۸۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ صادره از هیات حل اختلاف موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۰۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک جنوب شرق تصرفات مفروزی مالکانه شرکت نوسازان جنوب شرق تهران متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۰۱۰۵۴۰۰۰۰۴۱ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۵۳/۱۷ متر مربع قسمتی از پلاک ثبتی ۴۴۱۸ اصلی واقع در بخش ۷ تهران مورد ذیل ثبت ۱۱۶۹۵۷ صفحه ۴۵۳ دفتر ۷۸۷ ثبت گردیده. مراتب از نظر اطلاع ذوی الحقوق و شرکاء مشاعی پلاک فوق در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می گردد. طبق قانون فوق الاشاره کسانی که به مالکیت و تصرفات مفروزی متقاضی فوق اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به مراجع قضائی تسلیم نماید بدیهی است پس از انقضاع مهلت قانونی عدم وصول واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت مفروزی به مساحت و حدود بالا به نام نامبرده اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

۱۴۱۲۵ م الف — سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک خاوران تهران – گرجی زاده

شناسه آگهی ۱۵۹۶۴۲۴

آگهی ابلاغ مفاد رای موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

براساس موجب رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۴۰۰۰۵۸۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ صادره از هیات حل اخلاف موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۰۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک جنوب شرق تصرفات مفروزی مالکانه شرکت نوسازان منطقه نه تهران متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۰۱۰۵۴۰۰۰۰۹۴ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک ثبتی ۴۴۱۸ اصلی واقع در بخش ۷ تهران مورد ذیل ثبت ۹۷۷۱۴ صفحه ۴۲۱ دفتر ۶۵۸ ثبت گردیده. مراتب از نظر اطلاع ذوی الحقوق و شرکاء مشاعی پلاک فوق در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می گردد. طبق قانون فوق الاشاره کسانی که به مالکیت و تصرفات مفروزی متقاضی فوق اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به مراجع قضائی تسلیم نماید بدیهی است پس از انقضاع مهلت قانونی عدم وصول واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت مفروزی به مساحت و حدود بالا به نام نامبرده اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

۱۴۱۲۶ م الف — سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک خاوران تهران – گرجی زاده

شناسه آگهی ۱۵۹۶۴۲۸

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۲۰۲۵ مورخ ۱۴۰۲/۵/۲۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صفر علی ذوالفقاری فرزند فدای علی بشماره شناسنامه ۱۱۴۵ صادره از آوج در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۹۶/۹۴ متر مربع در قسمتی از پلاک ۱۲۶۲ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای بهمن میرزا فرمانفرمائیان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

۱۴۱۳۰ م الف — رئیس ثبت اسناد و املاک – خداداد بشیری

شناسه آگهی ۱۵۹۶۴۴۵

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • **صاحب امتیاز:** حزب کارگزاران سازندگی ایران • **مدیرمسئول:** سیدافضل موسوی • **سردبیر:** اکبر منتجبی
زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریان‌فر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی
مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • **عکس:** رضا معطریان • **ویراستار:** سعیده آرین‌فر • **حروف‌چین:** مجتبی دیدگر • **نشانی:** تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸ ، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • **چاپ:** امید نشر ایرانیان: ۹- ۸۸۵۳۷۱۶۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سیاست

محصول سالاری!

واکنش چهره‌های سیاسی به اظهارات دبیرکل جبهه پایداری درباره خالص‌سازی

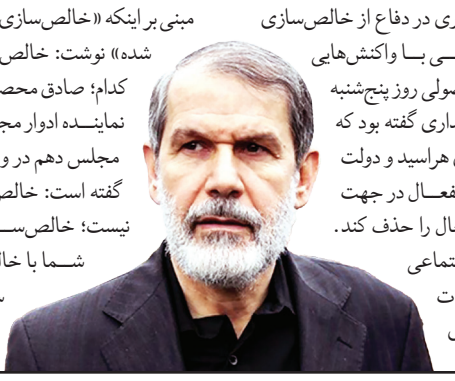

اظهارات دبیرکل جبهه پایداری در دفاع از خالص‌سازی و درخواست آن از دولت رئیسی با واکنش‌هایی همراه شده است. صادق محصولی روز پنج‌شنبه در مجمع عمومی جبهه پایداری گفته بود که نباید از برچسب خالص‌سازی هراسید و دولت آقای رئیسی باید به دور از انفعال در جهت شایسته‌سالاری نیروهای غیرفعال را حذف کند. حسام‌الدین آشنا در شبکه اجتماعی ایکس در واکنش به اظهارات محصولی، دبیرکل جبهه پایداری مبنی بر اینکه «خالص‌سازی اسم رمز حمله به شایسته‌سالاری شده» نوشت: خالص‌سازی یا شایسته‌سالاری؟ هیچ کدام؛ صادق محصولی‌سالاری! منصور حقیقت‌پور، نماینده ادوار مجلس و مشاور علی لاریجانی در مجلس دهم در واکنش به این اظهارات به جماران گفته است: خالص‌سازی حمله به شایسته‌سالاری نیست؛ خالص‌سازی قاتل شایسته‌سالاری است. شما با خالص‌سازی دوستان خودتان را سر کار می‌گذارید و آدم‌های لایق و شایسته را منزوی می‌کنید. او همچنین گفته است: «همین انزوایی که از عقلا و شایستگان صورت می‌گیرد، شما را به سمتی می‌برد که به اسم خالص‌سازی، کوتوله‌ها را در رأس این مملکت قرار می‌دهید. اجازه دهید که ایران را ایرانی‌ها، عقلا و بزرگان ایران اداره کنند و شما بساط خالص‌سازی را جمع کنید و در حجره‌ای بنشینید و دنبال کاسبی خودتان باشید». محمد مهاجری نیز به اظهارات صادق محصولی واکنش نشان داده و نوشته است: «اگر نظام جمهوری اسلامی از صادق محصولی حساب‌کشی می‌کرد که این همه ثروت را از کجا آورده و چگونه به ابرسرمایه‌دار تبدیل شده، الان طلبکار نمی‌شد».

هنر

مسالۀ زنان نوازنده

موضع صریح معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار اصفهان درباره کنسرت علیرضا قربانی

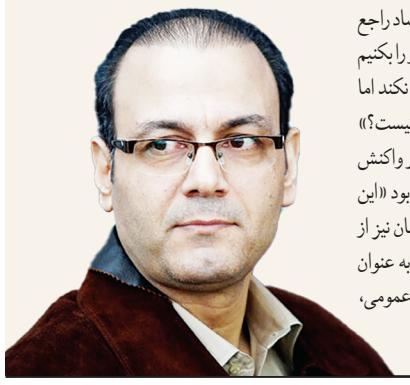

علیرضا قربانی روز پنج‌شنبه از لغو ۷ شب کنسرت خود در شهر اصفهان خبر داد و در بیانیه‌ای در صفحه اینستاگرام خود از «پیگیری‌های خارج از تصور تیم برگزاری کنسرت در شهر اصفهان» نوشت که «دلیل لغو کنسرت، حضور نوازنده زن در بین گروه نوازندگان علیرضا قربانی اعلام شد!» محمدرضا جان‌نثاری، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار اصفهان درباره دلیل صادر نشدن مجوز کنسرت علیرضا قربانی در اصفهان گفته است: این کنسرت منع قانونی نداشته است اما او در تیمش از نوازندگان زن استفاده کرده بود. جان‌نثاری همچنین گفته است: این موضوع هنوز تعریف قانونی ندارد و «یک چیز نویی است». او اشاره کرده که نظرات فقهی درباره تک‌نوازی زنان مختلف است اما قشر عظیمی از افکار عمومی این موضوع را نمی‌پسندند. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار اصفهان با بیان اینکه «وزارت ارشاد راجع به این موضوع تصمیم ملی بگیرد و ابلاغ کند که آیا اجازه هست این کار را بکنیم یا نه» گفته است که از آقای قربانی خواسته‌اند از تک‌نواز زن استفاده نکند اما آقای قربانی گفته است: «اینجا مگر چه فرقی می‌کند و مگر با قانون نیست؟» محمود سالاری، معاون هنری وزارت ارشاد بیست‌وپنجم مهرماه در واکنش به سوالی درباره شایعه لغو کنسرت به خاطر حضور نوازنده خانم گفته بود «این یک گمانه‌زنی است». او روز گذشته با بیان اینکه، «من همان زمان نیز از آقای قربانی عذرخواهی کردم»، گفته است: «اینکه سلیقه خود را به عنوان قانون اعمال کنیم، کار شایسته‌ای نیست. قانون به ما می‌گوید عفت عمومی، حجاب و شأن مخاطب باید رعایت شود».

ادامه تیتر یک

پرونده نقص دارد

بخش مهم این حکم اما در انتهای آن آمده است: «در جریان بررسی این پرونده، قاضی به پرونده موسوم به املاک نجومی و تبرئه قالیباف در این پرونده اشاره کرده است. همچنین سازمان بازرسی بیان کرده که هیچ پرونده مفتوحی علیه قالیباف وجود ندارد».

حالا قالیباف با یک تیر دو نشان زده است؛ نخست اینکه اگر اعضای جبهه پایداری بخواهند باز با کلیدواژه پاک‌دستی و فساد علیه او تبلیغات راه بیندازند، حکم دادگاه در دست قالیباف است و حداقل جبهه پایداری نمی‌تواند در حکم رسمی دادگاه در قوه قضائیه تشکیک کند.

چهار سال پیش از این در همین ایام و روزها بود که مرتضی آقاتهرانی، چهره شاخص جبهه پایداری و رئیس شورای مرکزی این تشکل سیاسی با کنایه گفت که خط قرمز جبهه پایداری فساد است و پایداری‌ها برای انتخاب سرلیست اصولگرایان به این مساله اهمیت می‌دهند و باید فردی سرلیست باشد که ابهامی در این دست از مسائل را به دنبال نداشته باشد. حکم اخیر دادگاه برای جهانگیری در کمترین حالت ممکن صدای اصلی‌ترین رقیب قالیباف در کنش و واکنش‌های اصولگرایی در درون جریان اصولگرایی را حداقل پشت تریبون‌ها کم خواهد کرد. مهم‌ترین دستاورد قالیباف در این حکم اما محکومیت اسحاق جهانگیری است. در شرایطی که قالیباف در متزلزل‌ترین موقعیت ممکن برای سرلیستی لیست واحد اصولگرایان قرار دارد و هر روز یا از طرف تشکل شریان و حمید رسایی یا از جانب پایداری‌ها آماج نقد و تخریب قرار می‌گیرد، گرفتن چنین حکمی برای جهانگیری برای او به منزله تلاش برای جلب مقبولیت از این طریق است. براساس آنچه تا امروز از جانب طیف‌های مختلف اصولگرا برای لیست انتخاباتی محمدباقر قالیباف شنیده شده، هیچ وفاقی به‌جز در شورای ائتلاف نیروهای انقلاب - به مدیریت حدادعادل و همراه مجموعه ایثارگران- وجود ندارد. قالیباف درحالی که در داخل اردوگاه اصولگرایان با بحران جدی مقبولیت برای سرلیستی اصولگرایان مواجه است با این حکم می‌تواند بازی زمین انتخاباتی جدیدی را برای خود تعریف کند.

از بعدی دیگر، این اقدام قالیباف حرکتی در صفحه شطرنج هماهنگ محافظه‌کاران و حلقه سخت قدرت علیه تیم روحانی است. وقتی علیه رئیس دولت سابق در خبرگان رهبری با تندترین ادبیات سخنرانی می‌شود، در صداوسیما درخواست ردصلاحیت وی مطرح می‌شود، منبری و مداح و فعال سیاسی اصولگرا در تلویزیون و توئیتر و رسانه‌های رسمی و غیررسمی کماکان ظریف را تقبیح می‌کنند، محکومیت اسحاق جهانگیری که در انتخابات ریاست‌جمهوری همانند هر کاندیدای دیگری پرونده‌های مبهم محمدباقر قالیباف را مطرح کرده بود برای او ایفای سهمی در این شطرنج است. این حکم برای قالیباف نوعی برگ برنده در شرایطی است که به نظر نمی‌رسد، توان کافی برای مقابله و غلبه بر هجمه‌های تندروهای اصولگرا در داخل جناح خود را داشته باشد. برگ برنده‌ای برای ارائه به اصولگرایان که توانسته معاون اول حسن روحانی را با حکم زندان همراه کند آن هم در شرایطی که لشکر پایداری‌ها و شریان- رسایی و همراهانش- نئوانقلابیون و اصولگرایان سنتی در مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و صداوسیما و مجمع تشخیص در زدن روحانی از یکدیگر سبقت می‌گیرند. آقای قالیباف حالا سهم خود را در این حرکت تاریخی اصولگرایان ادا کرده است.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه وشهرسازی
سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای

آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۲/۲۷

شناسه آگهی: ۱۶۰۵۹۵۲

اداره کل راهداری و حمل ونقل جاده ای استان تهران در نظر دارد پروژه های به شرح جدول ذیل را از طریق سامانه تدارکات دولت برگزار نماید . کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و گشایش پاکتها از طریق سامانه تدارکات دولت (ستاد) به آدرس setadiran.ir انجام خواهد شد .

ردیف	موضوع مناقصه	مبلغ براورد(ریال)	تاریخ بازگشایی	کد فراخوان
۱	تهیه، خرید، نصب و راه اندازی، مستندسازی و آموزش دوربین های مدار بسته و تجهیزات مربوطه در اماکن‌های اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان تهران (مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) دو مرحله ای)	۴۶۷,۴۵۴,۴۳۳,۶۰۰	۱۴۰۲/۰۹/۱۲	۲۰۰۲۰۰۴۵۷۲۰۰۰۱۷۴
۲	تهیه و خرید ماسه ۶-۳ به ادارات و راهدارخانه های شهرستان های استان (مناقصه عمومی یک مرحله ای)	۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۴۰۲/۰۹/۱۲	۲۰۰۲۰۰۴۵۷۲۰۰۰۱۷۵
۳	رفع نقاط پر حادثه شهرستان پاکدشت با اولویت نقطه پرحادثه قیامدشت (مناقصه عمومی یک مرحله ای)	۱۸,۱۸۱,۹۵۶,۸۱۵	۱۴۰۲/۰۹/۱۲	۲۰۰۲۰۰۴۵۷۲۰۰۰۱۷۷

✓ تاریخ بازگشایی پاکات : ساعت ۹:۳۰صبح بر اساس جدول فوق .
✓ آخرین مهلت تسلیم اسناد : ساعت ۹ روز بازگشایی می باشد .

م الف ۳۲۶۶

اداره کل راهداری و حمل ونقل جاده ای استان تهران

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۷۹

اصلاحات در بحران ۱۵۴

ادامه سه‌شنبه ۱۲ مهر

بحث بر سر نامه آقای مکارم شیرازی

عصر عقد ازدواج بستگان دفتریانم را بستم. آقای [عبدالحمید باقری] بنابی آمد و گفت که از ملاقات دکتر [عیسی] کلانتری، [وزیرکشاورزی] برای کسب کمك [برای مجوز واردات چای خارجی] نتیجه نگرفته است. جمعی از اعضای جوان حزب کارگزاران [سازندگی] یزد آمدند. راهنمایی خواستند و سوالاتی داشتند. [آقای نصرالله جهانگرد]، وزیر پیشنهادی آقای [سیدمحمد] خاتمی برای وزارت پست و تلگراف و تلفن در مجلس رأی نیاورد. برای کسانی که فکر می‌کنند، مجلس در اختیار آقای خاتمی است، باعث تعجب شد؛ گویا اختلاف جبهه دوم خرداد، باعث رأی عدم اعتماد شد.

بحث بر سر نامه آقای [ناصر] مکارم [شیرازی، از مراجع تقلید] به مجلس ادامه دارد. اظهارات آقای [مهدی] کروبی، [رییس‌مجلس] را نیز شبیه برخورد در مورد حکم حکومتی رهبری معرفی می‌کنند. چپ‌های مجلس ناراحت‌اند و آن را عامل تضعیف مجلس می‌دانند؛ خارجی‌ها هم چنین تفسیر کرده‌اند. دیشب و امشب کمی باران داشتیم که با این خشکسالی، مایه خوشحالی است.

چهارشنبه ۱۳ مهر

سخنرانی در اجلاس ائمه جمعه

دیشب و امروز، باران خوبی در تهران و بعضی از نقاط دیگر باریده است. در بعضی از ارتفاعات هم برف آمده. برای سخنرانی در اجلاس ائمه‌جمعه به حسینیه الزهرا(س) در مجموعه امام خمینی رفتم. به خاطر ترافیك با یك ربع تأخیر رسیدم. ائمه‌جمعه استقبال گرمی کردند، با شعارهای زیاد که معمولاً در این‌گونه اجتماعات علما کم‌سابقه است ولی به خاطر شرایط فعلی ابراز احساسات کردند.

در خیرمقدم آقایان [سیدرضا] تقوی، [رییس شورای سیاستگذاری ائمه‌جمعه] و [محمدرضا] صالحیان هم تجلیل از سوابق و خدمات شد؛ ازجمله نقل تعبیرهای امام و رهبری و خطبه‌های‌جمعه به‌خصوص تفسیر راهنما و فرهنگ قرآن که آن را به تحولی در تفسیر قرآن و قرآن‌شناسی معرفی کردند و خواستار هدیه آن به ائمه‌جمعه شدند؛ پذیرفتم، گفتم از قم بیاورند. من هم سخنرانی مفصلی در اهمیت تریبون جمعه به عنوان طبیعی‌ترین مرکز اعلان نظر حکومت اسلامی و ضرورت جدی گرفتن مسایل سیاسی و اقتصادی و امنیتی فعلی و توجه به نظرات اجلاس و سیاست استکبار درخصوص غیرکارآمد معرفی کردن اسلام برای اداره جامعه و جلوگیری از استقلال واقعی ایران ایراد کردم. [آقای احمد محسنی‌گرکانی]، امام‌جمعه اراك خواستار سفرم به اراك شد.

پیش از ظهر اخوی محمد، [رییس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی] آمد و گفت، آقایان [محسن] نوربخش و [محمدعلی] نجفی و [هدایت‌الله] آقایی و [رضا] ملك‌زاده از حزب کارگزاران استعفا داده‌اند. عصر آقای [سیدمحمود] علیزاده‌طباطبایی، [وکیل دادگستری و عضو شورای شهر تهران] آمد. رواج فساد در دادگستری و بی‌اطلاعی آقای [هاشمی] شاهرودی، [رییس قوه قضاییه] از اوضاع کشور و مدیریت گفت و پیشنهاد کرد که مصرف تریاك به تدریج آزاد شود، چون مبارزه تاکنون نتیجه مهمی نداشته و تلاش‌ها روی مبارزه با هرویین متمرکز شود که کم‌کم رشد می‌کند و با طالبان، برای جلوگیری از کشت خشخاش، رابطه برقرار شود.